



به یاد جان باختگان فاجعه ملی

درمانده اند یاران

۷ سال از فاجعه ی ملی کشتار زندانیان سیاسی که بدستور خمینی به همدستی خامنه یی و رفسنجانی و دیگر نزدیکان وی صورت گرفت، گذشت. ۷ سال پرانده و درده. در آن هنگام بی هنگام، هزاران دلدادگی آرمان های خلق، هزاران فاتح قلب مردم، پرومته های در زنجیر، سیاوش وارد در آزمون تلخ آتش قرار گرفتند و آرش وار، مؤمن به آرمان های والا ییشان جان باختند. داس عفریت مرگ ماه ها از حرکت باز نایستاد تا قامت بهترین فرزندان مردم میهنمان را درو کند. ابلیسیان، دلسرد و وامانده در تداوم جنگ استخوانسوز با همزاد همسایه و هراسناک از بی آندگی خویش، به قصد جلوگیری از برآمد خشم آلود مردم و برای ایجاد رعب و وحشت در دل آنان، مصمصانه در صدد برآمدند که سینه ی گروگان های مردم، آزاده دلاوران در بند را آماج کینه و انتقام خویش سازند. از اینرود و کوتاه زمانی، هزاران سرو برومند را بن برانداختند و بر کالبد بی جانان شیشه ی مستانه سر دادند. سه دژ خیم سرسپرده، زندانیان را، چه آنانکه سال ها در زندان بودند و دوران محکومیت خود را سپری کرده بودند، چه آنانکه دوران محکومیت تعیین شده ی خود را می گذراندند و چه تازه واردانی که مراحل بازجویی خود را طی می کردند، در یک بازجویی و تفتیش عقیده ی چند دقیقه نی بر سردوراهی مرگ یا نفی تمام ارزش های انسانی و عقیدتی شان قرار دادند و بی محابا هزاران تن از آن شیردلان را به مسلخ روانه کردند، چرا که می دانستند که در آوردگاه زندان، در صحنه ی نبرد شرف و شقاوت، عشق و آهن، شکست خورده اند و خروج از بن بست تنها با نابودی جمعی بیروزمندان میسر است. پیکرهای بیجان را سر اسیمه در گورهای جمعی انباشتند و راز جنایت خویش را مدتها پوشیده نگاه داشتند تا سرانجام، در جمعه ی سیاه خانوادگی امیدوار به آزادی دلبندانشان را گروه گروه فراخواندند و بجای گوری، گورستانی نشان شان دادند و آنان را از مهر گونه اعتراض بر حذر داشتند.

به این ترتیب در میان یک "آغاز" (۵ مرداد ماه) و یک "فرجام" (۴ آذر ماه) در میان سبعت پان نا پذیر سران رژیم از آغاز انقلاب تا کنون: ددمشی ویژه ی رخ نموده که نمونه ی آن در تاریخ اخیر کشورمان بی نظیر و در پهنه ی جهانی کم نظیر است. در این فاجعه بخش چشمگیری از سرمایه ی معنوی جامعه ی ما نابود شد چرا که در میان کشته شدگان اندیشمندان، پژوهشگران، ادیبان و هنرمندان و کادریهای سیاسی برجسته جنبش مردمی بسیار بودند. کسانی که پرکردن جای خالی شان بسادگی میسر نیست.

اطلاع کاملی در دست نیست که هر یک از قهرمانان، دقیقاً در چه زمانی اعدام و دقیقاً در چه مکانی به خاک سپرده شده اند. از این رو جان باختگان فاجعه ی ملی آنچنان که در آخرین سال ها و ماه های زندگی همد و یار و غمخوار هم، جسم و روحی یگانه را تبارز می دادند، هنگام وداع با زندگی دست در دست هم با فریادی یا سرودی یا هم عجزین شدند؛ پیکر شان چون توده ی همگن و یگانه در آغوش هم در گورهای جمعی غنود و پژواک آخرین صدایشان، درهم آمیخت. گویی که روان سیال یکایک آنان به هم گرایید، یگانه شد و در یک کل واحد عینیت یافت. کلی، که در ما تولدی دوباره می یابد و به ما توان آن می بخشد که با نیروی تازه به جنگ ستم و کهنه پرستی ادامه دهیم و در راه عدالت و آزادی پیگری باشیم.

از در آمیختگی جان ما و جان این عزیزان است که ما صیقل می خوریم، شاداب می شویم و خود را جلا می دهیم. پس درمانده اند یاران. از آنها نیرو و انهام می گیریم چرا که آتش گرا و نامیرایی را که وقت و داعیه به وسیله به ما سپردند در سینه ی خود محفوظ میداریم. با یادشان زنده ایم، خاطره شان را گرامی می داریم و عزیزان را عزیزان خود می دانیم، بی آنکه بتوانیم ذره یی پاسخگوی مهر و محبت بی دریغی باشیم که آنان ارزانی داشته اند.

۱۰ شهریور ماه روز صلح جهانی، سالروز نمادین فاجعه ی ملی کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ است. در این روز اغلب خانواده های شهدای فاجعه ی ملی در گلستان خاوران یا دیگر گلستان ها بر مزار بی نشان دلبندانشان و یادخانه های خود گرد هم می آیند تا یاد عزیزان را گرامی بدارند. این فرصتی است برای تجدید پیمان همبستگی ما با ایشان.

ما بار دیگر در برابر همه ی این عزیزان دردمند سر تعظیم فرو می آوریم و با آنان ابراز همدردی نموده، استواری ییشان را در برابر اندوه جانگدازشان و تداوم تلاشان را برای افشای جنایت های رژیم می ستاییم. ما بخوبی از دشواری های خانواده های شهدای راه آزادی آگاهیم. همزمان با کنگره ی چهارم سازمان به همت عده یی از پیش قدمان نهاد یاری به خانواده ی شهید اوزندانیان سیاسی تشکیل شد. بگوئیم در حد توان خویش این نهاد نوپا را تقویت نموده، از طریق آن همبستگی خود با بازماندگان شهدای جنبش را تحکیم بخشیم.

از آن روزهای تلخ...

گزارشی از مراسم بزرگداشت جان باختگان فاجعه ملی در کنگره چهارم فدائیان خلق

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره برگزاری چهارمین کنگره فدائیان خلق

فدائیان خلق

خواستار جمهوری مبتنی بر دموکراسی در کشور شدند

- کنگره چهارم به مناسبت بیستمین سالگرد شهادت رهبر فقید سازمان، کنگره بیژن جزینی نام گذاری شد
• کنگره سازمان خواهان پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و انتقال مسالمت آمیز قدرت به مردم شد
• کنگره از مبارزات مردم و آزادی خواهان ایران علیه استبداد فقهائی پشتیبانی کرد

چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در مرداد ماه امسال برگزار گردید. این کنگره که در بیست و پنجمین سالگرد بنیان گذاری سازمان و بیستمین سالگشت شهادت بیژن جزینی، بنیان گذار سازمان، تشکیل شد؛ به نام رهبر فقید سازمان، کنگره بیژن جزینی نام گذاری گردید. فدائیان خلق، در این کنگره بار دیگر بر خواست اساسی خود یعنی استرداد دموکراسی در ایران تاکید کردند. کنگره تأیید کرد مردم ایران برای رسیدن به دموکراسی، تجدید پسنرفت و عداالت اجتماعی ناگزیر از پایان دادن به رژیم استبدادی و جمهوری اسلامی را

مسبب بحران و سقوط کنوردانست. کنگره مبارزه مردم ایران علیه استبداد حاکم را میرد پشتیبانی قرار داد و سرکوب و کشتار مردم توسط حکومت اسلامی را محکوم کرد. چهارمین کنگره فدائیان از مبارزه آزادی خواهان ایران در داخل کشور حمایت کرد و یافتن راه های مناسب برای پیشبرد یک مبارزه مشترک و متحد با این نیروها را ضروری تأخیر ناپذیر دانست.

کنگره چهارم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مرداد ماه ۱۳۷۴

استاد و مصوبات کنگره چهارم
خط مشی سیاسی سازمان
قطعه نامه
پیرامون اوضاع سیاسی
پیام به مردم ایران
پیام به اعضا و هواداران
گزارش کنگره چهارم
قرارها و قطعه نامه ها
در صفحات ۱۰ تا ۶

تقاضای فعالیت نهضت آزادی ایران بار دیگر دشد

- شورای مرکزی سازمان این تصمیم حکومت را محکوم کرد
• ابراهیم یزدی: ما فعالیت سیاسی را حق قانونی خود می دانیم

وزارت کشور جمهوری اسلامی هفته گذشته اعلام کرد که با تقاضای فعالیت سیاسی نهضت آزادی ایران مخالف است. در اطلاعیه وزارت کشور به علت مخالفت جمهوری اسلامی با فعالیت نهضت آزادی که منتهی به قانون اساسی و معتقد به مبارزه سیاسی مسالمت آمیز است، اشاره ای نشده است.
امدالله بادامچیان عضو کمیسیون ماده ۱۰ وزارت کشور، مسئول بررسی تقاضای فعالیت احزاب در حکومت جمهوری اسلامی، با اعلام رد تقاضای نهضت آزادی، گفت: اعضای این گروه نمی توانند به طور انفرادی فعالیت کنند و در انتخابات مجلس در صورت تایید صلاحیتشان از سوی شورای نگهبان شرکت کنند. از سال ۵۹، پس از برکناری

داریوش فروهر: پیشبردهای ملی در گرو یک پیکار جبهه گونه است

داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران، در یک گفتگوی رادیویی، پیش شرط های حزب خود در مورد برگزاری انتخابات آزاد در ایران را اعلام کرد. وی که بارادبوصدای ایران در لس آنجلس مصاحبه می کرد، شروط حزب خود را چنین برشمرد:
پاس داشتن آزادی گفتار و نوشتار و گرد همایی و جلوگیری از تجاوز گروه های فشار به هر عنوان.
آزاد گذاردن سازمان های سیاسی و حزب های دگراندیش و نیز اتحادیه ها و انجمن ها و کانون ها و نهاد های صنفی. اجازه نشر به همه روزنامه ها با برکنار از سانسور.
زنده داشت همه حقوق ملت که در بیست و چهار اصل از فصل سوم قانون اساسی

مطالبه آزادی در صفوف نظام اسلامی نیز نیرو می گیرد

اخیراً نامه ی سرگشاده ای با امضای ۱۰۷ نفر از افراد و شخصیت های وابسته به نظام اسلامی خطاب به هاشمی رفسنجانی انتشار یافته که در آن نسبت به بی قانونی ها و تجاوز به حرمت و آزادی اشخاص در رژیم اسلامی اعتراض شده است. این نامه که پس از حمله حزب الهی ها به سخنرانی دکتر سروش در دانشگاه اصفهان و گریه به همین بیانته انتشار یافته است، در هیچیک از روزنامه های کثیرالانتشار وابسته به حکومت اسلامی چاپ نشده است.
ارگان جناح غالب محافظه کار در رژیم اسلامی، که خود را بیش از دیگر گروه های حکومتی مخاطب این نامه یافته، بدون درج متن آن در سه شماره متوالی علیه این نامه و امضا کنندگان آن ناخفته است.
چنانکه از مقالات روزنامه رسالت برمی آید، امضا کنندگان نامه ترکیبی از افراد "خط امامی" از جمله گردانندگان روزنامه سلام و

توضیح و پوزش

نشریه "کار" این بار یاد هفته تاخیر اعلام نشده منتشر شد. دلیل این تاخیر همان گونه که اکنون همگان مطلعند، برگزاری چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بود. از آن جا که به دلیل حفظ امنیت کنگره، زمان برگزاری آن از پیش اعلام نشده بود، ما نیز نتوانستیم تاخیر دو هفته ای در انتشار نشریه را از قبل به آگاهی خوانندگان برسانیم. از این تاخیر اعلام نشده پوزش می خواهیم.
این شماره، آخرین شماره ویژه کنگره است و از شماره آینده کار با صفحات و ستون های همیشگی خود منتشر خواهد شد. طی این چند شماره بسیاری از خوانندگان برای ما مقالات و نوشته های ارزشمند کردند که می کوشیم به تدریج آن ها را مورد استفاده قرار دهیم.

یادداشت

تشدید فشار به جای تسلیم به ضرورت

انتخابات مجلس پنجم در شرایطی برگزار می‌شود که بحران و بن بست در همه عرصه‌های زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور در برابر سمداران حکومت قامت افراشته و ابعاد بی‌سابقه ناراضی‌ها و اعتراض مردم، هراس از آینده را در جان‌شان نشان داده است. برخی از مخالفان امکان یافته‌اند تا به طور آشکار و علنی با حکومت مخالفت کنند.

اکنون نیروهای مختلف حکومتی خطر خارج شدن مهار امور از دستشان را حس می‌کنند. حتی اگر عقل مصلحت گرا و دوراندیش در درون حکومت، به حضور نمایی برخی از مخالفان خود در انتخابات بیندیشد، هراس از آینده و از کف دادن مهار امور، مجاللی به پیدایی این عقل نمی‌دهد. حکومتیان نما ما به حفظ موقعیت و حکومت و برانگیز خود می‌اندیشند. آنچه در شرایط کنونی برای آنان اهمیت ندارد، خطر ویرانی کشور و سقوط بیشتر آن در ورطه‌ای عمیق و هولناک است.

سران رژیم در برابر مخالفان سیاسی خود، همان تصمیمی را اتخاذ کرده‌اند که در مقابل حرکت‌های اعتراضی مردم به اجرا در آورند: تشدید فشار در همه عرصه‌ها و به همه اقشار و گروه‌های مردم، گسترش دستگیری‌ها و پیگیری افراد توسط مأمورین امنیتی رژیم، بستن روزنامه‌ها و اعمال فشار بر آن‌ها، ممانعت از بیان آزادانه نظرات حتی توسط منتقدین مسلمان همچون دکتر سروش و آیت‌الله روحانی و حمله به آن‌ها توسط گروه‌های فشار. . . ادامه ممانعت از فعالیت قانونی نهضت آزادی و جلوگیری از شرکت آن در انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی توسط وزارت کشور، در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

در دوره‌های پیشین انتخابات مجلس، در تبلیغات دروغین رژیم برای جهانیان، وجود آزادی انتخابات در ایران رنگ و نمودی داشت، اما اینک این ظاهر سازی نیز رنگ باخته است. در کنیزدی در مصاحبه‌ای با یاراد یو فرانسه، پیرامون مواضع نهضت آزادی در قبال انتخابات دوره پنجم مجلس، ضمن تأیید این که شرایط برای انتخابات آزاد فراهم نیست، از وجود دوگرایش در درون نهضت آزادی سخن گفت. گرایشی که که شرکت در یک انتخابات غیر آزاد و نمایی را نمی‌کند و گرایشی که برای ایجاد شرایط انتخابات آزاد، شرکت در یک انتخابات غیر آزاد را نیز توصیه می‌کند.

اسدالله بادامچیان عضو کمیسیون ماده ۱۰ وزارت کشور با اعلام تصمیم جمهوری اسلامی در پیرامون فعالیت قانونی نهضت آزادی، که فعالیت‌ها پیش را نیز در چارچوب قانون اساسی رژیم محدود کرده است، پاسخ حکومت فقها به دو نظریه را بازتاب داد. گویی سیاست گذارانی در درون رژیم مصرانه در پی آنند که هر نوع توهمی را در مورد خود و آمادگی ایشان برای پذیرش ضروریات را از زهر ذهن شکاک‌کن نیز، بزایند. سران جمهوری اسلامی دامنه مانور امکان دروغ پردازی پیرامون وجود آزادی‌ها در ایران را بر خود هر کس دیگری، بی‌مسته‌ننگ ترمی کنند!

ناآرامی در قم

فرزند آیت‌الله صادق روحانی و تعدادی از طرفداران وی بازداشت شدند

در قم و تهران، تعداد کثیری از طرفداران آیت‌الله سید صادق روحانی و کسانی که نامه اعلام جرم وی را علیه هاشمی رفسنجانی تکثیر کرده بودند، توسط مأموران وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی بازداشت شدند.

در این نامه که در قم، تهران و شهرستانها و به ویژه در حوزه‌های آموزش مذهبی کشور تکثیر و توزیع شد، آیت‌الله روحانی علیه هاشمی رفسنجانی و جواد آملی به علت زیر پا گذاشتن قانون اساسی رژیم، اهانت به مرجعیت و ممانعت مردم از برگزاری مراسم عزاداری اعلام جرم کرده بود. در این نامه آیت‌الله روحانی در اعتراض به بخش سخنان جواد آملی از تلویزیون در ایام عاشورا که در آن به بیروی از فتوای خامنه‌ای از ممنوعیت قمه زنی در مراسم عزاداری در ماه محرم جانبداری کرده و نظریات آیت‌الله خوبی نائینی و حکیم را نادرست خوانده بود، از هاشمی رفسنجانی خواسته بود جواد آملی را سر جای خود بنشانند و به اهانت علیه احساسات مذهبی مردم پایان دهند و برای بحران کشور چاره‌اندیشی کنند. آیت‌الله روحانی در این نامه رفسنجانی را به عنوان رئیس جمهور، مسئول تمدن از سنت‌های مذهبی و رفتار مستبدانه رژیم علیه مردم دانسته بود.

در پی توزیع نامه اعلام جرم آیت‌الله صادق روحانی که در آن بر مجوس بودن، ممنوعیت رفت و آمد و ملاقات وی با مردم اشاره شده بود، قمی‌ها و تهران‌ها و سایر شهرها در حال برگزاری تظاهرات و اعتصابات هستند. در قم، تهران و سایر شهرها تظاهرات و اعتصابات در حال برگزاری است. در قم، تهران و سایر شهرها تظاهرات و اعتصابات در حال برگزاری است. در قم، تهران و سایر شهرها تظاهرات و اعتصابات در حال برگزاری است.

پخش برنامه‌های رادیوی صدای کردستان ایران از سر گرفته شد

دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که پخش برنامه‌های رادیوی صدای کردستان ایران از سر گرفته شد. برنامه‌های رادیوی صدای کردستان ایران از سر گرفته شد. برنامه‌های رادیوی صدای کردستان ایران از سر گرفته شد.

داریوش فروهر:

پیشبردهای ملی

در گرویک پیکار جبهه گونه است

بقیه از صفحه ۱ رادیوی صدای ایران در نیویورک، گفت: در برخورد با موضوع انتخابات آزاد با هرگز پیش نمی‌ماند، دو نظریه وجود دارد. یک نظریه دگرگونی ریشه دار را هدف قرار می‌دهد و پیش شرط‌هایی را که گفتم عنوان می‌کند. یک نظریه دیگر به گرویک وضع کنونی و رفتن به سوی آزادی‌های فردی و اجتماعی را خواستار است.

فروهر در پاسخ پرسشگر رادیو در مورد اینکه در شرایط کنونی آیا امکان انجام انتخابات آزاد وجود دارد یا نه و نظر او در مورد اقدامات آقای دکتر ابراهیم یزدی و دوستانش چیست؟ گفت: به نظر من با قانون اساسی بر نقض کنونی، با قرار و مدارهایی که اشغال کنندگان کرسیهای نمایندگی مردم با هم گذارده‌اند و بر آن نام قانون نهاده‌اند، انجام انتخابات آزاد شدنی نیست. وی افزود از سوی رهبری جمعیت نهضت آزادی به او اطمینان داده شده است که این جریان نیز قانون اساسی جمهوری

تقاضای فعالیت نهضت آزادی ایران...

بقیه از صفحه ۱ پروانه از وزارت کشور بگیرند یا نگیرند، هیچ فرد یا نهادی حق ندارد جلو فعالیت حزب سیاسی را بگیرد. نهان‌پنجاهی که می‌تواند یک حزب را منحل سازد، دادگاه‌های مخصوص است که طبق اصل ۱۲۶ قانون اساسی با حضور هیات منصفه تشکیل می‌شود. بنابراین، اینکه فرد، گروه یا نهادی بگیرد من به این حزب اجازه نمی‌دهم یا می‌دهم خلاف قانون اساسی است.

یزدی درباره فعالیت انفرادی اعضای نهضت، که با دامچیان عضو وزارت کشور بر آن تا کند داشت، گفت: افراد حق دارند آزادانه فعالیت بکنند. لزومی به گفته ایشان ندارد. کسی منتظر اجازه دستور فرد یا نهادی نیست. هر شیروند ایرانی حق دارد طبق قانون اساسی به عنوان شخص حقیقی در انتخابات شرکت کند، رای بدهد، کاندید بشود، دیگران را کاندید کند.

یزدی در مورد احتمال شرکت نهضت آزادی در انتخابات پنجمین دوره مجلس گفت: ما آمادگی شرکت در انتخابات را داریم ولی انتخابات آزاد شرایطی دارد. بدون تحقق پیش شرط‌های انتخابات، صحبت از آزادی انتخابات معنی ندارد. در شرایطی که احزاب سیاسی آزاد نیستند و حق فعالیت

اطلاعیه

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره

ادامه ممنوعیت نهضت آزادی ایران

وزارت کشور جمهوری اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که به نهضت آزادی ایران اجازه فعالیت قانونی و شرکت در انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی داده نخواهد شد. این اطلاعیه در پاسخ به تقاضای رسمی نهضت آزادی برای فعالیت قانونی صادر شده است. تا یکدوباره حکومت بر ممانعت از فعالیت نهضت آزادی ایران، که همواره وفاداری خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی اعلام کرده و هیچ گونه فعالیتی در جهت براندازی رژیم نیز نداشته است، یک بار دیگر نشان داد که سران حکومت دروغ می‌گویند و در ایران هیچ گونه آزادی سیاسی برای مخالفین وجود ندارد. این تصمیم نشان داد که آزادی انتخابات در ایران دروغ محض است و در کشور ما تنها استبداد حاکم است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تصمیم حکومت به ادامه ممانعت از فعالیت قانونی نهضت آزادی ایران را شدیداً محکوم می‌کند و بار دیگر همه آزادی خواهان ایران را به بیکارمشتک علیه استبداد خشنی که بر میهن ما حکمفرماست، فرامی‌خواند. به اعتقاد ما تنها با اتحاد و عمل مشترک همه آزادی خواهان ایران است که می‌توان سنگرهای استبداد را قدم به قدم درهم شکست و راه دموکراسی در ایران را هموار ساخت.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۸ مرداد ۱۳۷۴

تظاهرات دانشجویان انجمن‌های اسلامی کشور

هفته‌نامه پیام دانشجویان تعطیل شد

نیروهای وفادار به انقلاب ارا به می‌شود بر حسب تضعیف نظام می‌زند و آن را سرکوب می‌کند. هفته‌نامه پیام دانشجویان روز ۹ مرداد برابر با ۳۱ ژوئیه تعطیل شد. روز ۹ مرداد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ارسال نامه‌ای به موسسه کیهان که پیام دانشجویان بیسیجی در چاپخانه آن چاپ می‌شد، دستور داد که از چاپ این هفته‌نامه خودداری کند.

دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های تهران، نیمه مرداد ماه علیه دولت دست به تظاهرات زدند. آنان با اجتماع در محوطه دانشگاه تهران خواستار رفع توقیف از نشریه پیام دانشجویان بیسیجی شدند. در این حرکت اعتراضی، انبوهی از دانشجویان مستقل و غیر وابسته به انجمن‌های اسلامی با حذف حمایت از آزادی مطبوعات شرکت داشتند.

کشمکش بر سر حفظ امتیاز ادامه انتشار روزنامه و هفته‌نامه مدتی است که به عرصه درگیری جناحی‌های فرادست و فرودست حکومتی بدل شده است. در ۶ ماه گذشته علاوه بر مطبوعات مستقل، هفته‌نامه "جهان اسلام" به سرپرستی هادی خامنه‌ای و "امید" توسط مخالفان از صحنه درگیری خارج شده‌اند. با پیوستن نیروهای جهان اسلام به پیام دانشجویان بیسیجی، کانون درگیری به این هفته‌نامه منتقل شده بود.

پیام دانشجویان علیه دلیل انتقادات تند از دولت و افشای دربار اخلاقی و ارتشاء چند صد میلیاردی توسط عوامل حکومت با غضب رژیم و استقبال مردم مواجه بود. چند ماه پیش یک شماره از این هفته‌نامه که به شایعه مرگ احمد خمینی و خریدهای تسلیحاتی اختصاص داشت، به دستور دولت از بازار جمع‌آوری و پس از آن دفتر هفته‌نامه مورد هجوم وحشیانه گروهی اوباش قرار گرفته و مسئولان آن تهدید به مرگ شده بودند. پیام دانشجویان افشای خریدهای تسلیحاتی نورچشمی‌های رژیم شد.

رفیق دوست رئیس بنیاد مستضعفان به علت افشای پیام دانشجویان در مورد اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی که به "رفیق گیت" معروف شده، علیه این هفته‌نامه به دادگاه شکایت کرده است.

دولت با برپایی تظاهرات مخالف بود و به مأموران انتظامی دستور داده شده بود که از اجتماع دانشجویان در محوطه دانشگاه تهران جلوگیری کنند. به همین دلیل بر شمار گشت‌های پلیس و سپاه که در خیابانهای منتهی به دانشگاه تهران مستقر هستند، افزوده شده بود و بخشی از اوباشان در لباس میدل تحت حمایت نیروهای انتظامی در اطراف دانشگاه پراکنده بودند. علی‌رغم جو آرای و کثرت شدید پلیسی، دانشجویان توانستند به طرق مختلف به درون دانشگاه راه یابند و به اجتماع اعتراضی در مقابل مسجد دانشگاه پیوندند.

سخنران تظاهرات کنندگان مهندس حسمت‌الله طبریزی سردبیر و مدیر هفته‌نامه "پیام دانشجویان" بیسیجی بود. وی با اعتراض شدیدی به توقیف و جلوگیری از انتشار نشریه پیام دانشجویان از سوی کمیسیون نظارت بر مطبوعات، عمل هیات نظارت بر مطبوعات را مغایر با آزادی بیان و قانون اساسی جمهوری اسلامی خواند. در پایان تظاهرات قطعنامه‌ای صادر شد. در این قطعنامه تعطیلی پیام دانشجویان محکوم شد و رفتار دولت در قبال این نشریه غیرقانونی اعلام شد. در این قطعنامه تعطیلی پیام دانشجویان محکوم شد و رفتار دولت در قبال این نشریه غیرقانونی اعلام شد. در این قطعنامه تعطیلی پیام دانشجویان محکوم شد و رفتار دولت در قبال این نشریه غیرقانونی اعلام شد.

خلاف قانون احزاب است. دکتر ابراهیم یزدی که پس از مهندس بازرگان، رهبری نهضت آزادی را بر عهده گرفته است، در چند ماه اخیر تلاش زیادی کرد تا رژیم را متوجه خطر نشدید استبداد

### روغنی زنجانی بر کنار شد

مسعود روغنی زنجانی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه از سمت خود برکنار شد و حمید میرزاده که از نوین معاونان رئیس جمهور در امور اجرایی بود، به حکم رفسنجانی در راس این سازمان قرار گرفت.

روغنی زنجانی از جمله یاران رفسنجانی در طراحی برنامه تعدیل اقتصادی و در مقام ریاست سازمان برنامه و بودجه از جمله ی طراحان و پایه گذاران این برنامه بود. شکست برنامه تعدیل اقتصادی دولت رفسنجانی، موقعیت همه کارگزاران تعدیل از جمله روغنی زنجانی را تضعیف کرد. با این وجود، او کمترین کسانتی چون دکتر عادل رئیس سابق بانک مرکزی در معرض فشار و انتقاد بود. از این رو، بنظر می رسد علاوه بر عوامل دیگری نیز در کنار گذشتن وی مؤثر بوده اند.

در ایران بسیاری بر این عقیده اند که برکناری روغنی زنجانی و گماشتن میرزاده بجای وی تغییری در وضع کشتی به گل نشسته دولت رفسنجانی نخواهد داد. آیا این جابجائی میره ها در شرایط بیستی که دولت و حکومت گرفتار است، تغییری برای مقابله با بحران اعتماد است؟ بنظر می رسد غیر از این نیز دلایل دیگری برای برکناری روغنی زنجانی وجود داشته است.

از جمله می توان به این نکته اشاره کرد که در گزارش که سازمان برنامه و بودجه در اوایل امسال از وضع اقتصادات کشور تهیه و در اختیار مقامات طراز اول رژیم گذاشته بود به واقعیت های اشاره شده که بی گمان خوشایند حاکمان نبوده است. در این گزارش که ربر نظر روغنی زنجانی تهیه شده، بسیاری از ناگامی های اقتصادی دولت با علت های سیاسی توضیح داده شده اند.

در گزارش از جمله درباره توسعه گشته می شود: دولت و نظام جمهوری اسلامی توسعه اقتصادی را می خواهند، ولی در مقابل ملزومات توسعه مقاومت کرده و با آنها مخالفت می کنند. گزارش سازمان برنامه به عنوان ملزومات و پیش نیازهای توسعه از روابط سیاسی با دنیای خارج، ضرورت فضای مناسب در داخل کشور برای جلب تکنولوژی و سرمایه و نیز از غیر سیاسی شدن مدیریت نام می برد و معتقد است این مسائل مورد علاقه و مقبول در بعضی امرا کز تصمیم گیری با بعضی مراکز که بر شکل گیری افکار عمومی دارای نفوذ هستند، نیست.

درباره مدیریت که گزارش غیر سیاسی شدن آنرا جزو ملزومات توسعه می داند گفته می شود: در نظام اسلامی مدیران نه بر اساس درجه توانائی و میزان مهارت و سطح تحصیلاتشان، بلکه بر حسب ملامک های مکتبی و ایدئولوژیک انتخاب می شوند و می افزاید: در صورتی که مدیر بر حسب روابط سیاسی انتخاب و منصوب شود، هدف را بنیود کارائی و پیشبرد تشکیلات زیر نظر خود قرار نمی دهد، بلکه همت خود را موقوف آن شرایط سیاسی که او را بر سر کار آورده است، می نماید.

در همین بخش از گزارش سازمان برنامه و بودجه گفته می شود: ایجاد این پیش شرط های توسعه در حیطه صلاحیت و مسئولیت نظام سیاسی کشور است. آیا وجود چنین درک و دریافته از مسائل کشور در سازمان برنامه که قطعاً خوشایند آخوند هائیت، از عوامل مؤثر در کنار گذشتن روغنی زنجانی نیست؟

### عبدالکریم سروش از سوی عوامل رژیم تهدید به قتل شد

مراسم سخنرانی عبدالکریم سروش، از روشن فکران مذهبی مخالف نظام فقهائی، در دانشگاه اصفهان به مقابله شرکت کنندگان در این سخنرانی با او یا کسی که با حمایت طرفداران ولایت فقیه در حکومت، برای جلوگیری از سخنرانی وی به دانشگاه فرستاده شده بودند، منجر شد.

هجوم حزب اله به سخنرانی سروش علیرغم آگاهی دولت و ماموران انتظامی از بروز چنین حادثه ای صورت گرفت و حزب اللهی ها اسوده خاطر از عدم مداخله ماموران انتظامی، به اجتماع صد ها تن از دانشجویانی که برای شنیدن سخنان سروش در دانشگاه گرد هم آمده بودند، حمله کردند.

اوباشان، ابتدا تلاش کردند با پر تاب سنگ و شکنش شیشه های سالن، سخنرانی را بهم بزنند، اما حاضران با حفظ آرامش، طلاب و دانشجویان حزب الهی را عقب نشان دادند. لحظاتی بعد اخلالگران از

در و پنجره وارد سالن شدند، صندلی های سالن سخنرانی را به هم ریختند و با سردادن شعار "مرگ بر ضد ولایت فقیه" به سوی سروش برش بردند.

حمله اخلالگران از زبان سروش چنین گزارش شده است: همه شاهد بودند که اوباشگرایان که مخلوطی از طلاب و دانشجویان تحریک شده بودند، قبل از آغاز جلسه با شکنش شیشه وارد شدند و قبل از ایراد سخنرانی این جانب، بدون طرح هیچ گونه سوالی به شعار دادن پرداختند و عاقبت هم سخنرانی را ناتمام گذاشتند و به سوی من حمله ور شدند و کفش و پیراهن مواباره کردند و علاوه بر تهدید صریح به قتل، از توهین و ارعاب چیزی فروگذار نکردند. اینجانب پس از یک ساعت در محاصره میجامان بودم...

### سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی:

### حکومت جمهوری اسلامی مستبد تر خواهد شد

محدود کردن آزادی بیان و مطبوعات، همگی نه تنها مدم تلخی نمی شود، بلکه عملی بسندیده و مستوجب اجر و پاداش دنیوی و اخروی محسوب می شود.

طبق ارزیابی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، رسالتی ها برای کسب حاکمیت انحصاری و بر کناری "راست مدرن" از قوه مجریه تلاش می کنند به چپ جدید یعنی خط امامی های تندرو نزدیک شوند. آنان برای جلب چپ جدید و تضعیف راست مدرن، خلاف شعارهای انتخاباتی دوره قبل، شعار "همه بندی، پرداخت سوبسید، کنترل قیمت ها، اعدام تروریست های اقتصادی و بازاریان" را سر می دهند. شعارهایی که با استراتژی آنان تطبیق نمی کند. بنا به بررسی "عصر ما" چنانچه رسالتی ها حاکمیت انحصاری قدرت را کسب کنند و مجلس و ریاست جمهوری در اختیار آنان باشد، سیاست اقتصادی آنان با راست مدرن چندان تفاوتی نخواهد کرد. در عرصه اقتصاد، سیاست راست مدرن به شکل ضعیف تر و غیر منسجم تری دنبال خواهد شد. مهیترین وجود افتراق راست سنتی با راست مدرن، در زمینه سیاست های داخلی و فرهنگی خواهد بود. راست سنتی از آزادی های سیاسی و اجتماعی را به شدت تحدید و نقش مردم را در اداره کشور و تعیین سرنوشت خویش به حداقل ممکن خواهد رساند.

رأست سنتی در دوران حاکمیت انحصاری به طور کلی از نظر اقتصادی و سیاست خارجی شبیه چندان تفاوتی نخواهد کرد. در عرصه اقتصاد، سیاست راست مدرن به شکل ضعیف تر و غیر منسجم تری دنبال خواهد شد. مهیترین وجود افتراق راست سنتی با راست مدرن، در زمینه سیاست های داخلی و فرهنگی خواهد بود. راست سنتی از آزادی های سیاسی و اجتماعی را به شدت تحدید و نقش مردم را در اداره کشور و تعیین سرنوشت خویش به حداقل ممکن خواهد رساند.

### مطالبه آزادی در صفوف نظام اسلامی...

و تجارز به حقیق اساسی افراد محکوم شده و گفته شده که "این واقعه و موارد مشابه آن احتمالاً با حمایت برخی مراکز به ظاهر رسمی و به دلیل عدم توجه کافی دولت در برقراری نظم و تأمین حقوق قانونی ملت به وقوع می پیوندد.

رسالت نوشته است این نامه از طریق پانتهام می کیان - که رسالت آتاراگان دگراند پشان نامه - در اختیار مطبوعات و دیگر نهادها قرار

راست مدرن" و از نظر داخلی و فرهنگی مستبدانه و منحصربه عمل خواهد کرد.

عصر ما" معتقد است که در صورت کسب انحصاری قدرت از سوی رسالتی ها، نیروهای راست مدرن، حتی بلند پایه ترین عناصر آن، جذب قدرت انحصاری راست سنتی خواهند شد و چپ مذهبی را سرکوب خواهند کرد.

بنا به نظر عصر ما "از آنجا که تضادهای و اختلافات فکری راست سنتی با چپ مبنای بوده و هر دو طبقه ناخود ایدئولوژیک هستند، طبق مذکور در دوران حاکمیت انحصاری، برخلاف راست مدرن حضور چپ نه تنها دوباره بین ترین سطوح حاکمیت، بلکه حتی در صحنه سیاسی کشور را تحمل نخواهد کرد. لذا سرکوب طبق چپ در استراتژی راست سنتی "اولویت ویژه ای برخوردار خواهد بود.

دربایان، "عصر ما" بر اتحاد مخالفان حاکمیت انحصاری راست سنتی تأکید کرده و نوشته است: "به اعتقاد ما نه تنها چپ بلکه کلیه طبقه ها و جریانات فکری و سیاسی که معنقده به وجود فضای باز سیاسی و برخوردار از عقیده هستند، می بایست با تمام توان از روندی که منجر به حاکمیت انحصاری یک طبقه خاص و خصوصاً طبقی که از نظر تئوریک حتی برای مردم و حقوق و آزادی های آنان فائل نیست... جلوگیری به عمل آورد، ما عیوم معتقدین به آزادی انتخابات و برخورد آزاد آراء و اندیشه ها را به مقابله با ایجاد رژیم می کنیم."

گرفته است. روزنامه رسالت هم چنین با نامیدن گروه امضا کنندگان به عنوان "شکل جدید"، نوشته است: اکثریت امضا کنندگان نامه را عناصر دگراندیش و تکنوکرات تشکیل می دهند، گروهی که در عرصه فرهنگی به دنبال گسترش مناسبات لیبرالیستی بوده و موافق نسبی مشارکت مردم در تعیین سرنوشت کشور و نظام مانند جوامع سرمایه داری هستند.

### پیرامون ملاقات رضا پهلوی و منوچهر گنجی دیداری که حکایت دارد!

دیدار رضا پهلوی با منوچهر گنجی، رئیس سازمان حقوق بشر و آزادی های اساسی برای ایران، حساسیت هایی را برانگیخت. مطابق گزارشات رسمی، در این دیدار نیز آن چنان که رسم امروزه شده است، سخن از لزوم دموکراسی و کثرت گرایی و رعایت حقوق مردم در میان بوده است. اما همه این حرف های نیک مانع از آن نشد که اهداف واقعی این دیدار از دید احزاب و سازمان های سیاسی پنهان بماند.

رضا پهلوی مدعی تاج و تخت در ایران است و هوادارنش او را پادشاه آینده ایران می خوانند. منوچهر گنجی به اعتراف خود ملاحظه بگیر سازمان سیای امریکا است و سازمان درفش کاویانی که گنجی بر راس آن نشسته است، هم بر اساس اظهارات مقامات امریکایی وهم بنابه اذعان خود گنجی، سازمانی است که با خراج دولت امریکا بود چه ویژه سیاست تدبیر شده و اداره می شود. بنا بر این روشن است که سیاست چنین سازمانی تابع مصالح دموکراسی و منافع ملی ایران نباشد، تابع اهداف مصالح بیگانگان و کاخ سفید امریکا است. چه عاملی سبب شده است که مدعی پادشاهی در ایران با کسی بیاهم مشترک امضاء کند که پیش از آن که یک رهبر سیاسی باشد، یک حقوق بگیر شناخته شده سازمان جاسوسی امریکا است؟

نیروهای دموکرات و جمهوری خواه با رها از رضا پهلوی و هوادارانش انتقاد کرده اند که مشروطه خراشان اگر آنگونه که مدعی هستند، واقعا به دموکراسی و مرجعیت مردم روی آوردند، چرا اذاعای سلطنت و پادشاهی مروجی دست بر نمی دارند و حاکمیت مستقیم مردم را نمی پذیرند؟ رضا پهلوی و هوادارانش پاسخ می دهند که در سلطنت مورد قبول آنان، پادشاه بک رهبر سیاسی، بلکه سمبل وحدت ملی و یکسانی همه مردم و گروه های اجتماعی است و به دلیل چنین نقشی وجود پادشاه نافی حاکمیت مستقیم مردم نیست. آیا عمل کرد رضا پهلوی، حتی امروز که او از هیچ قدرتی نیز برخوردار نیست، دلیلی قانع کننده بر این پاسخ است؟

برای ما که به ادعاهای سلطنت طلبان درباره نقش رضا پهلوی در حکومت فرضی سلطنتی باور نداریم، عملکرد امروزین وی، ملاقات هایش با این یا آن، نادیده گرفتن استقلال سیاسی، هیچ کدام تعجب آور نیست، زیرا ما باور نداریم که پادشاه در ایران بتواند به غیر از آن باشد که در رژیم پهلوی بود. هدف رضا پهلوی فقط تقویت موقعیت خود و سلطنت طلبان است و در این هدف "خوب و بد" نیز نمی شناسد!

مشروطه خواهان تا کنون در باره دیگر شدن خود و گرویدن به دموکراسی و رای مردم و مردم سالاری بسیار گفته اند و نوشته اند. اما آن ها در عمل جز این کرده اند و دست خود را در دست کسانتی گذاشته اند که طرفداران دو آتش رژیم گذشته با همه زشنی های آن هستند و خود اعتراف می کنند که برای رسیدن دوباره به قدرت، به بیگانگان دل بسته اند.

دیدار های سیاسی و ملاقات های اخیر رضا پهلوی و درخواست های او از بیگانگان برای کمک به براندازی جمهوری اسلامی، نشانه تمایلی است که در او و هوادارانش آشکار می شود. برقراری دموکراسی و مردم سالاری در ایران تنها یک شعار زیبنده نیست که بتوان آن را در دفتر کار خود آویخت و از مواهیش بهره مند شد. اتحاد و اتفاق با کسانی که پیش از آن که رهبران یک جریان سیاسی باشند، حقوق بگیران سازمان نیای جاسوسی بیگانه اند، به خاطر هر چه باشد، به خاطر دموکراسی و مردم سالاری نمی تواند باشد.

جهت گیری های اخیر رضا پهلوی و بهره ای از اقدامات مشروطه خواهان، نشانه آن است که نیروی سلطنت طلب در مجموع خرد هنوز بیش از آن دارای سوابق، غلاب و ویژه منافع مشترک است که دموکراسی توانسته باشد، در آن یک شکاف عمیق ایجاد کند.

### پرونده سقوط هواپیمای فوکر در دادگاه

رفع عیوب نکرده و سپیل انگاری آنان منجر به سقوط این هواپیمای وقتل ۶۶ نفر شده است.

نماینده سازمان بازرسی کل کشور، علیرضا نوری، در جلسه سوم دادگاه علت سقوط هواپیمای فوکر را اشکال فنی موجود در سطح کنترول پرواز اعلام کرد و افزود این اشکال فنی سابقه دارد و عدم توجه به مرفوع مدیریت فنی شرکت هواپیمایی آسمان و سازمان هواپیمایی کشوری، موجب تشدید وضعیت نامناسب هواپیمای ویر خورد آن با گره شده است.

علل سقوط هواپیمای مزبور که تا بحال توسط خلبانان و کارشناسان در دادگاه مطرح شده عبارتند از: کینگی و فرسودگی هواپیمای، شرکت آن در مانور نوشهر که به گشتی کارشناسان برای هواپیمای جنگی مناسب بوده و نه هواپیمای فوکر F-۲۸ و همچنین در اختیار نبودن کتاب سیستم هواپیمای فوکر F-۲۸ در حین پرواز و بطور کلی در شرکت آسمان. متهمان این دادگاه علی عاید زاده مدیر عامل شرکت هواپیمایی آسمان و ۶ نفر دیگر از مدیران و کارکنان شرکت آسمان و سازمان هواپیمایی کشوری می باشند.

رسیدگی به پرونده ای سقوط هواپیمای فوکر ۲۸ که ۷ ماه پیش در نزدیکی کرکس رخ داد و منجر به کشته شدن ۶۶ مسافر و خدمه ای هواپیمای شد، در ۳۱ تیرماه بطور علنی در دانشگاه اصفهان آغاز شد. وکلای کشته شدگان این حادثه با توجه به قانون تعیین حدود مسئولیت های هواپیمایی کشور در پروازهای داخلی، رسیدگی به علت سقوط این هواپیمای را مسئول کنوانسیون بین المللی ورشو (۱۹۲۹) دانسته و با استناد به موارد متعدد ثبت شده در پرونده، مدیریت شرکت آسمان را که چنین هواپیمای فرسوده ای را خریداری کرده عامل اصلی این فاجعه دانسته اند.

وکلای مدافع در طرح شکایات اعلام کردند که به رغم صراحت قوانین برای تشکیل یک کمیسیون بررسی از سوی سازمان هواپیمایی کشور، بلافاصله پس از بروز سانحه، هیچ نشانه ای از برپائی چنین کمیسیونی از نظر زمان تشکیل و اصول کار در پرونده دیده نمی شود و علاوه بر آن تحقیقات به روشنی نشان داده که هواپیمای دچار عیب و نقص فنی بوده و مسئولین شرکت آسمان نیز به رغم و قوف بر آن، اقدامی برای

## اعتصاب کارگران چوب اسالم

این کارخانه به بخش خصوصی واگذار شد. کارخانه اگرچه پیش از یک میلیارد تومان ارزیابی شده بود، به قیمت ۸۶۰ میلیون تومان در اختیار یکی از سرمایه داران قرار گرفت. کارفرما به جای سرمایه گذاری برای افزایش تولید و ایجاد اشتغال، مثل بسیاری از موارد مشابه دیگر، سیاست ضد کاری و فروش ماشین آلات کارخانه را پیش گرفت. کارخانه دارد فاصله چند ماهه بسیار

کارگران کارخانه چوب اسالم از روز دوشنبه گذشته دست به اعتصاب زدند و پس از روزی قبول برداخت حقوق دوماه کارگران از سوی مدیریت، به اعتصاب خود خاتمه دادند.

کارخانه چوب اسالم یکی از بزرگترین کارخانه های چوب بری، تولید تخته سه لا و نشپان کشور است. چندی پیش، در چارچوب سبتهای تعدیل اقتصادی دولت،

کارگران گروه صنعتی خاور که کامیونهای مرسدس بنز را با استفاده از امتیاز بنز آلمانی مونتاژ می کنند، از روز شنبه ۳۱ تیرماه دست از کار کشیدند و در محل کارخانه برای رسیدگی به خواسته هایشان از سوی مدیریت، دست به اعتصاب زدند. گروه صنعتی خاور ۴ هزار کارگر دارد و در جنوب تهران در

جاده ساوه واقع است. افزایش دستمزدها، پرداخت هزینه نیاز، بهبود شرایط کار، پرداخت پاداش سالانه که از شهریورماه سال گذشته متوقف شده است، مطالبات عمده کارگران اعتصابی بود.

اعتصاب در شرایطی روی داد که مدیریت با برنامه تعطیلات تابستانی کارگران مخالفت کرد و از آنان خواست برای انجام اضافه کاری در کارخانه بمانند و از رفتن به تعطیلات خودداری کنند.

## کارگران اعتصابی گروه صنعتی خاور مدیریت کارخانه را به پذیرش مطالباتشان وادار کردند

در پاسخ به مدیریت، کارگران مطالبات خرد را مطرح کردند و از طریق نمایندگان خود اعلام کردند تا زمانی که مطالباتشان تامین نشود، به تحصن در محوطه کارخانه ادامه خواهند داد و تولید را متوقف خواهند کرد.

مدیریت به جای گفتگو با کارگران، خیراعتصاب را به وزارت اطلاعات و سپاه اطلاع داد. لحظاتی بعد کارخانه در محاصره نیروهای انتظامی قرار گرفت و راه های ورودی و خروجی کارخانه

ی از ماشین آلات و قطعات تولیدی را به قیمت گزاف فروخت و کارگرانی را که در این بخش ها اشتغال داشتند، اخراج کرد. خیرفروش لوازم کارخانه بر اثر اعتراض و مخالفت کارگران به مطبوعات راه یافت و دولت ناچار شد در سیاست فروش این کارخانه تجدید نظر کند. سازمان صنایع ملی ایران اعلام کرد قرارداد فروش کارخانه به بخش خصوصی را به طور یکجانبه فسخ کرده است.

داد و خواستار بایان دادن به اعتصاب شد. کارگران با رد وعده های مدیریت، یکبارچه بر اجرای فوری کلیه خواسته هایشان تاکید کردند. با عدم توفیق مدیریت برای بازگرداندن کارگران، ماموران انتظامی وارد عمل شدند و به ضرب و شتم و دستگیری نمایندگان و فعالین کارگران و دهها کارگر دیگر پرداختند. نیروهای ضد شورش و سپاه اگرچه ترانسند در روز چهارم اعتصاب، با یورش شبانه به کارخانه و دستگیری عده ای، کارگران را پراکنده سازند اما ناچار شدند به برخی از خواسته های آنان تمکین کنند. اعتصاب پس از چهار روز با عقب نشینی سپاه و مدیریت خاتمه یافت.

خبر خاتمه اعتصاب ۷ مرداد ماه از رسانه های دولتی انتشار یافت.

## خبرهای کوتاه

### انفجار دو بمب در تهران

انفجار دو بمب در تهران که در زیرد و خودروی شخصی کار گذاشته شده بود، چند نفر را مجروح کرد و به واحدهای مسکونی آسیب رساند. یکی از بمبها که در زیر یک پیکان جاسازی شده بود در خیابان کوشک در مرکز شهر منفجر شد. بنا به نوشته روزنامه ها کسی در این انفجار مجروح نشد. انفجار بمب دوم که در زیر یک خودروی بلنیز در خیابان لاله زار شمالی کار گذاشته شده بود ۳ نفر ویراساس برخی گزارشها ۵ نفر، از رهگذران و اهالی محل را مجروح کرد و به ساختمانهای تاشعاع ۱۰۰ متری آسیب رساند. درباره عاملین انفجار تا کنون گزارشی منتشر نشده است.

### تغییرات در وزارت کشور

به نوشته کیهان هوایی، وزیر کشور احتمال تغییرات در سطح استانداران و فرمانداران را تایید کرد. صحبت از تغییرات در حالی صورت می گیرد که چند ماهی به انتخابات مجلس باقی نمانده است. وزیر کشور برای زدودن هرگونه شک و شبیهه در رابطه با تاثیر این تغییرات در انتخابات، تاکید کرد که تغییرات در سطح وزارت کشور نباید بمعنی مخدوش کردن انتخابات تلقی شود.

### روزانه ۷۰۰ هزار متر مکعب

### فاضلاب با کوبه دریای خزر می ریزد

رئیس سازمان محیط زیست اعلام کرد که بیش از ۷۰۰ هزار متر مکعب از فاضلاب صنایع باکو، بدون تصفیه به دریای خزر می ریزد. به گفته وی انتقال این فاضلابها همچنین استخراج روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت از منابع نفتی زیر دریا، منجر به آلودگی آب دریای خزر شده که بر اثر جرخش آب در دریای خزر، آبها و سواحل ایران را نیز آلوده ساخته است. وی اضافه کرد در حال حاضر هیچ کنوانسیون یا قراردادی بین کشورها وجود ندارد که رسماً این کشورها را موظف به کنترل آلودگی های مذکور کند.

### اعتراض دانشجویان به رئیس جدید

در جریان معرفی رئیس جدید دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، عده ای از دانشجویان در اعتراض به این تغییر با ایجاد سروصدا سعی در بهم زدن جلسه کردند. انجمن اسلامی دانشجویان با انتشار اطلاعیه ای ضمن اعلام مخالفت با این حرکت از انتصاب رئیس جدید حمایت کرد. دانشکده علوم سیاسی از اواسط سال گذشته شاهد چنین حوادثی بوده است که اوج آن بعد از اخراج دو تن از استادان این دانشکده صورت گرفت. به علت مخالفت دانشجویان با این اخراج، کلاسهای درس برای مدت کوتاهی تعطیل شد.

### شیوه پذیرش دانشجویان تغییر می کند

وزیر فرهنگ و آموزش عالی اعلام کرد که نظام سنجش و پذیرش دانشجویان سالیانه آینده منطبق با نیازهای آموزشی کشور بازنگاری می شود. وی افزود اولین حرکت در این رابطه جایگزینی مرحله پیش دانشگاهی به جای مرحله اول کنکور سراسری است. به گفته وی توزیع نامناسب نیروی متخصص در کشور نیز تورم فارغ التحصیلان رشته های نظری موجب عدم اشتغال و بیکاری خراج از تخصص بیش از ۷۰ درصد دارندگان مدارک دانشگاهی در این رشته ها شده است.

### شرایط تاسیس مدارس ایرانی در خارج از کشور

مدیر کل امور بین الملل وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اعلام کرد که از سال آینده تحصیلی (۷۵-۱۳۷۴) مدارس خارج از کشور موظف هستند غیر از آموزش زبان فارسی یک زبان بین المللی یا زبان کشورهای مقیم را به دانش آموزان ایرانی بیاموزند. وی گفت هم اکنون ۱۱۷ مدرسه ایرانی با حدود ۱۷ هزار دانش آموز در خارج از ایران دایر هستند. وی گفت به ایرانیانی که معلم باشند و شرایط تاسیس مدارس غیر انتفاعی را داشته باشند، مجوز ایجاد این مدارس در خارج از کشور داده می شود. به گفته وی ایران امسال به عضویت اتحادیه مدارس بین المللی در ژنو درآمد دارندگان دیپلم این اتحادیه می توانند بدون کنکور در ۱۲۰ دانشگاه جهان تحصیل کنند.

### افزایش مقرری ارزی دانشجویان بورسیه ای

به پیشنهاد وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مقرری ماهانه دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از کشور که تحت پوشش دستگاه های دولتی قرار دارند، مجموعاً یک میلیون و ۴۵۲ هزار دلار افزایش یافته است. میزان مقرری این گروه دانشجویان در کشورهای انگلستان و ایرلند ۳۰۰ به ۳۵۰ پوند و در سایر کشورهای مینای دلار به شرح زیر افزایش یافته است: سوئد از ۵۰۰ به ۵۷۵، چین از ۲۲۰ به ۲۷۰، نروژ از ۴۰۷ به ۴۷۰، روسیه از ۳۰۰ به ۳۲۰، دانمارک از ۴۴۰ به ۵۰۰، مجارستان، لهستان، چک و اسلواکی از ۳۷۰ به ۴۰۰، مالزی از ۳۴۰ به ۴۰۰ و هندوستان از ۲۵۰ به ۲۷۵.

## کنفرانس در اشتوتگارت

از سوی جمعی از ایرانیان، در روزهای ۶ تا ۸ مرداد ماه در شهر اشتوتگارت (آلمان) کنفرانسی تشکیل شد. در این کنفرانس آقای حسن ماسالی از مسئولین نهضت مقاومت ملی ایران و از تدارک کنندگان این کنفرانس، انگیزه اصلی از تشکیل آن را پرداختن به مسائل ایران و هماهنگ ساختن همه نیروهای ملی و دمکرات ایرانی در خارج از کشور، در مبارزه علیه جمعیوری اسلامی توضیح داد.

در پایان کار بیانیه ای از سوی کنفرانس منتشر شد. در این بیانیه هدف از تشکیل کنفرانس "کوششی با خصلت ملی و آزاد بخواری برای تفاهم هر چه بیشتر افراد و گروه ها با گرایش های مختلف سیاسی" توصیف شده و در بخشی از آن آمده است:

۱- ایرانیان حاضر در کنفرانس به عنوان بخشی از جنبش بزرگ ملی و آزاد بخواری ایران و به رغم تفاوت نظرهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فلسفی با عضویت در گروه ها و سازمانهای سیاسی و اجتماعی متفاوت، اصول اساسی زیر را به عنوان فصل مشترک آرمانهای سیاسی خرد مبنای مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی و تشکیل یک آلترا تئوساسی می دانند:

۱- حفظ استقلال کامل سیاسی ایران بر اساس منشور سازمان ملل و تمامیت ارضی ایران

۲- ختنی قانون اساسی جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه و تاکید بر جدایی کامل دین از حکومت

۳- استقرفار حاکمیت ملی بر اساس دموکراسی پارلمانی و عدم تمرکز قدرت اداری و سیاسی کشور، ملهم از قانون انجمن های ایالتی و ولایتی و دستورالعمل جنبش مشروطیت.

۴- برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد.

## محا کمه متهمان اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی

مردم پروری دیوارها نوشته اند: ای کاش منم مثل رفیق دوست یک مستضعف بودم!

برای برنده شدن در یک معامله، ۲۰۰ میلیون تومان با جعل سند، از بانک برداشته اند. اختلاس تازمان دستگیری موقت فاضل خداداد ادامه یافته است. رفیق دوست در پاره دستگیری خداداد گفت: روزی یکی از برادران خداداد به من مراجعه کرد و گفت وکیل بانک داد نامه ای علیه فاضل تهیه کرده است که اگر به دادگاه ببرند، فاضل اعدام خواهد شد. چند روز بعد دیوارها به خوشحالی خبر داد که آن موضوع حل شد و ۶۰۰ میلیون تومان پول به او داده شده تا ساختمان نیمه تمام را تکمیل کند. مرتضی رفیق دوست در دادگاه تاکید کرد که: "در شعبات بانک صادرات کلکسیون اختلاس وجود دارد و همه از آن باخبرند."

وکیل مرتضی رفیق دوست، برای تبرئه موکل خود بانک صادرات را مقصر خواند و گفت چون بانک به طور مستمر به کارها نظارت نداشته، به این ترتیب زمینه ارتکاب جرم را فراهم کرده است.

در پنجمین جلسه، رئیس دادگاه اتهامات ابوطالب ابراهیمی، تحویلدار بانک صادرات تجریش را، که با کمک او اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی صورت گرفته است، بر شمرد. برای نشان دادن همدستی محسن رفیق دوست در ماجرای اختلاس، ابراهیمی خطاب به رئیس دادگاه گفت: چرا آقای سیف، مدیر عامل بانک صادرات بابت پیگیری کلاهبرداری از محسن رفیق دوست دستور می گرفته است؟

در دادگاه گفته شد که ابوطالب ابراهیمی، تحویلدار بانک، فاضل خداداد، مرتضی رفیق دوست، سیف، در تمام مراحل اختلاس با محسن رفیق دوست در ارتباط بودند و در همین ارتباط محسن رفیق دوست یک چک ۱۵۰ میلیون تومانی

هفته گذشته، همزمان با ادامه محا کمه متهمان اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی در بانک صادرات تهران که به "رفیق گیت" معروف است، خامنه ای طی حکمی یار دیگر بر ریاست محسن رفیق دوست بر بنیاد مستضعفان تاکید کرد.

اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومان از بانک صادرات که مرتضی رفیق دوست و محسن رفیق دوست، عاملان اصلی آن هستند، در سال ۷۱ به طور تصادفی برملا شد. خامنه ای، رفسنجانی و وزارت اطلاعات از آغاز از این اختلاس باخبر بودند، اما برای مخفی نگاه داشتن آن تلاش بسیاری کردند. ماجرا بر اثر اختلاف و کشاکش باندهای قدرت در درون رژیم، به مجلس کشیده شد و بر ملا گردید. مسئولان رژیم قسم خوردند که این موضوع اختلاس نبوده و یک تخلف بانکی از سوی کارکنان بانک بوده است و مبلغ "تخلف" نیز نه ۱۲۳ میلیارد تومان، بلکه "تنها" ۶/۵ میلیارد تومان بوده است که آن هم به کوشش محسن رفیق دوست به بانک برگشت داده شده است. خود رفیق دوست بعد از آن که از خامنه ای حکم ریاست بر بنیاد مستضعفان گرفت، در تلویزیون ظاهر شد و همین دروغ ها را تکرار کرد.

دادگاه متهمین، سرانجام بر اثر اختلافات درونی رژیم وزیر فشار افکار عمومی تشکیل شد. ریاست این دادگاه بر عهده حجت الاسلام محسنی است. به گفته وی تازمانی که تمام مطالب و مدافعات متهمین و کلای آنها و نیز صحبت های نمایندگان بانک شنیده نشود، دادگاه ادامه خواهد یافت.

در چهارمین جلسه دادگاه اعلام شد که مرتضی رفیق دوست با همکاری فاضل خداداد و یزدانی،

## جاودان باد خاطره جان باختگان فاجعه ملی!

# از آن روزهای تلخ...

مخالفت می‌شد. در این فاصله اعتصابات زیادی کردند. انعکاس آن در خارج از زندان هم بود. خانواده‌ها به همان نسبت پیگری می‌کردند.

رژیم در سال ۶۷ تصمیم گرفت یک زهر چشم اساسی از اینها بگیرد برای عبرت بقیه زندانیان. این تجربه‌ای بود که از سال ۶۰ و ۶۱ داشت. بچه‌های ملی‌کش به زندان گورهدشت منتقل شدند و ملاقات‌ها قبل از پایان جنگ برای گرفتن زهر چشم قطع شد. تقریباً یک ماه قبل از اینکه ملاقات کلبه زندانیان سراسر کشور قطع شود، ملاقات ما تحت فشار خانواده‌ها دوباره آزاد شد و در این فاصله بچه‌ها توضیح دادند که گاز شیمیایی در زندان انداخته‌اند و آنها تحت شکنجه قرار گرفته‌اند. به هر صورت گفتند که ما در معرض خطر مرگ قرار داریم و رژیم تصمیم دارد عده‌ای را اعدام کند و اعتراض خانواده‌ها.

رژیم در دو مین ملاقات میریان شد. با سادها برخورد محترمانه داشتند بچه‌ها دوباره ملاقاتشان به روال عادی برگشت و این خیلی جای تعجب داشت. آخرین ملاقات من در تیر ۱۳۶۷ بود، بعد از آن او را دیگر ندیدم. چهار روز بعد ملاقات کلبه زندانیان در سراسر کشور قطع شد و دیگر در جریان هستند. ۵ ماه بعد ساک‌ها را به ما دادند. و تری این مدت رژیم سعی می‌کرد به بیانه اینکه قرار است غیرعمومی داده شود و بعد از پایان جنگ زندانیان به خانه برمی‌گردند، خانواده‌ها را آرام نگه دارد. از خبرهایی که از آخرین لحظات زندگی همسرم دارم این است که خیرا اعداها در لحظات آخر به آنها رسیده بود و این بچه‌ها قهرمانانه تصمیم گرفتند که تا آخر خط بروند و به مواضع سازمان پای بند بمانند. با وجود آنحرافات آن، که جای آنها خالی که در مورد این انحرافات صحبت نکنند.

بعد از آن ما خانواده‌های زندانیان سیاسی شنیدیم که به هر شکلی اعتراض خود را در مجامع و محافل مختلف در جلد و فتر سازمان ملل، گورستان خاوران، جلوه‌دستانی و دادگستری به انواع و اقسام مختلف نشان دهم و رژیم هم علیرغم اینکه از سال ۶۷ به بعد سعی کرد چهره دموکراتی از خودش نشان بدهد اجازه داد یک سری نشریات منتشر بشود. قیافه دموکرات مایانه در ادبیات و تلویزیون و دیگر محافل عمومی و بین‌المللی به خود گرفت. اما با این حال از تعجب، دستگیری و تهدید به اعدام خانواده‌هایی که هیچ جرمی نداشتند، از جمله رژیم من. دروغ آزادی دارند و آنزجار نمی‌دهند باید به نوعی درهم شکسته شوند تا روحیه بچه‌های دیگر به این ترتیب خراب شود. کم کم همسر من و خیلی بچه‌های دیگر که از دادن آنزجار خودداری کرده بودند به محوری برای روحیه دادن به سایرین مبدل شدند، به طوری که رژیم هر کاری کرد که اینها را به زانو درآورد ولی تعداد این بچه‌ها مرتب زیادتر می‌شد و به حدود ۱۸۰ نفر رسیده بود. بچه‌هایی که بدون دلیل با آزادی آنها

کنگره چهارم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، همزمان با هفتمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ تشکیل گردید. نمایندگان کنگره برای تجدید پیمان با خاطره همزمانی که در این فاجعه جان باختند و برای گرمی داشت خاطره آن عزیزان، مراسم ویژه‌ای به یاد داشتند و گروهی از شرکت کنندگان در کنگره که عزیز یاد آن روزهای تلخ از دست دادند، و یا خود در زندان‌ها شاهد قتل عام همزمانشان بودند، سخنانی به این مناسبت ایراد کردند.

کار: در سالگشت این فاجعه خونین، و برای گرمی داشت یاد یاران جان باخت، کلام‌های پر دردی را که در فضای کنگره ملین انداخت، منتشر می‌کند تا کلامی دیگر بر هزاران کلامی که در بزرگداشت جان باختگان فاجعه ملی گفته شده است، افزوده شود. هزاران کلامی که اگر هزاران بار دیگر نیز گفته شود، باز نمی‌تواند همه ابعاد فاجعه‌ای را که در تابستان ۶۷ به وقوع پیوست، شام و کمال منعکس سازد.

## سخنان خانم محسنی

من به عنوان یکی از مادران فدایی، حرفم همه مادرانی است که عزیزان خود را در مبارزه علیه استبداد، از دست داده‌اند. من از سال ۵۰ جلوری در زندان‌ها بودم. قزل قلعه و اوین و اصفهان و بسیاری زندانها را دیده‌ام. فرزند مرا (مجتبی محسنی) در سال ۶۳ دستگیر کردند و به اوجک اعدام تعلیفی دادند. ما همراه از تهران به اصفهان می‌رفتیم و اگر ملاقاتی می‌دادند، او را چند دقیقه‌ای می‌دیدیم و برمی‌گشتیم. هر بار لاغرتر و نحیف‌تر می‌شد. شکنجه‌اشان می‌دادند، او البته چیزی به ما نمی‌گفت، فقط در یکی از ملاقاتهایش به من گفت: من که از این زندان بیرون نخواهم آمد، ولی اگر امدم به شما خواهم گفت که در زندانهای جمهوری اسلامی چه می‌گذرد. بپرحال، او هم در فاجعه ملی، در ۱۳ آبان ۶۷ اعدام شد.

من فکر نمی‌کنم در هیچ کجای دنیا هیچ حکومتی چنین برنامه‌ای اجرا کرده باشد که برای مدت ۴ ماه تمام ملاقات‌های تمام زندانی‌های سیاسی سراسر کشور را قطع کرده باشد. تمام مادرهایی که به

## سخنان رفیق مانا

همسرم دو ماه پس از ازدواج ما در سال ۱۳۶۱ دستگیر شد. آن زمان هنوز حزب نوده و سازمان غیرقانونی نشده بودند. برای خورد کردن زندانیان سیاسی از هیچ کاری فروگذار نمی‌کردند. تحمل فشارهایی که رژیم می‌آورد، کار ساده‌ای نبود. دفاع از مواضع سازمان از همه سخت‌تر بود، اما بچه‌ها خوب ایستادند. بعد که حزب و سازمان غیرقانونی شدند، دیگر نوبت بچه‌های ما بود که چند برابر فشار و شکنجه رژیم را تحمل کنند، باید اری کنند و حیثیت لکه‌دار شده سازمان به لحاظ دفاع از جمهوری اسلامی را دوباره نرمیم کنند. بچه‌ها خیلی موفق بودند. چه آنها که بیرون فعالیت می‌کردند و چه آنها که در زندان بودند. عده معدودی ضعف نشان دادند، ولی به جرات می‌توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق بچه‌ها مقاومت کردند و سهم بسیار عمده‌ای در احیای حیثیت سازمان داشتند.

همسر من بعد از تحمل فشارهای زیاد و یکسال انفرادی و شکنجه، در سال ۶۳ حکم آزادی گرفت، به شرط دادن آنزجار از مواضع سازمان. او اینکار را نکرد و حکم آزادی‌اش به تعویق افتاد. دو ماه بعد دادگاه تجدید نظر او را به دو سال زندان محکوم کرد. از این به بعد اولین اعتصابات زندان به رهبری بچه‌های سازمان و حزب شروع شد و زندانیان

## ترانه نعل گون

بر معبر انسان  
بیرگورهای بی‌نام و نشان -  
خطابه‌های مکرر خوانده می‌شود

از آغاز  
تا پایان پرواز  
مردان  
به کار سپردن جان خویش

با آنکه  
خورشید عشق  
بر پیشانی خزان شقه می‌شود

از دریا اما  
خیزیایی لعل گون بر می‌خیزد  
و به همراه می‌آورد  
منظومه‌های آذرخش نجات را!!

عظیم خلیلی

## سخنان رفیق عفت ماهباز

پیش می‌رود. عشق در قلب مردمان زنده است و کودکان شادمانه می‌خندند و بزرگ می‌شوند. آری، در بهاری سرسبز، با بارانهای زندگی‌ساز، از یوتوهای وحشی باید پرسید که داغ سرخ شقایق از کیست؟

نامه دیگر، نامه ۱۹ بهمن سال ۱۳۶۶ است که همسر خطاب به من نوشته و در آن تفکر و ایمان بچه‌های زندانی را نشان می‌دهد، که چه می‌خواستند از آنها بی‌که مانده‌اند، آنها بی‌که وقتی ما شنیده‌ایم به خارج از کشور فرخته‌اند، خوشحال شدیم که سازمان می‌ماند و راه ادامه پیدای می‌کند. نامه را می‌خوانم:

در این روزگار غریب، به راستی چه شگفت‌انگیز است دیدارمان در فاصله ۳ ماهه چه زیبا و غرور انگیز است احساس ما از عشق، زندگی و آرمانمان. یار مهربانم، بهمن ماه است و روزهای گرمی و خاطره انگیز آن در راهند. با همسرش نمی‌دادند. ما هر چند وقت یک بار، یک نامه چند خطی داشتیم. این نامه‌ای که می‌خوانم تاریخ ۱۶ خرداد ۶۷ را دارد. من قسمت‌های عاطفی آن را حذف می‌کنم و بقیه را می‌خوانم:

همراه در کنار هم، بانگرانی متقابل و در عین حال پذیرش گفته تو، که من هم چون بیشتر مردمان و چون تو، حوادث جانفروش را در رهگذر زند گیمان پذیرا می‌شویم. از خزان تا پیاپی، از رویا تا زندگی، از امید تا آینده و از خاطره دیروز تا تجسم فردای زیبا. چگونه است زندگی ما و دیگر آدمیان، درد نیایی که فاصله امید و آرزو تا واقعیت وجود دارد، چگونه است سرنوشت ما جویندگان شادی در جوی آتشها و شعبده بازان لبخند در شبکلاه درد. کاشفان قوتن شوکران، سردر هوای عشق، چشم در انتظار خورشید، با بوسه‌ای چون داغ جاودانه محبت.

بازیابی دیگر با تو سخن می‌گویم. ... از اینجا انوش است که سخن می‌گوید:

به توبه عشق بزرگمان افتخار می‌کنم. ... عشق بزرگ، منظور سازمان است - خاطره شیرین عشق ما و زند گیمان را در قلبم گرم می‌دارم و امید به آینده‌ای تابناک در وجودم جاودانی است. آری، جریان نیرومند زندگی به

من سخنم را با این جمله آغاز می‌کنم: با باور به عشق آغاز کردیم و با باور به عشق آنگونه جان باختیم منظور جمله اول، در واقع تمام سازمان ما و آنها بی‌است که اینجا نشسته‌اند و صادقانه راهی را در پیش گرفته‌اند که راه عدالت اجتماعی و آینده خوب برای مردم ایران است و این هیچ گاه تغییر نمی‌کند.

من امروز دو نامه از همسرم شاپور (علیرضا اسکندری) انتخاب کرده‌ام که برای شما می‌خوانم. این نامه‌ها گرچه خطاب به من است، ولی در واقع آرمانهای رفقای ما را که در درون زندانها بودند، نشان می‌دهد. رفتاری که با باور به عشقشان، زندگی و قلب خود را در دست گرفتند و در این راه جان باختند.

نامه اولی را که می‌خوانم، در واقع وصیت‌انوش (انوشیروان لطفی) هم در آن هست. وقتی انوش در سال ۶۷ اعدام شد، با همسرش ملاقات نداشت و نامه‌های او را هم به همسرش نمی‌دادند. ما هر چند وقت یک بار، یک نامه چند خطی داشتیم. این نامه‌ای که می‌خوانم تاریخ ۱۶ خرداد ۶۷ را دارد. من قسمت‌های عاطفی آن را حذف می‌کنم و بقیه را می‌خوانم:

همراه در کنار هم، بانگرانی متقابل و در عین حال پذیرش گفته تو، که من هم چون بیشتر مردمان و چون تو، حوادث جانفروش را در رهگذر زند گیمان پذیرا می‌شویم. از خزان تا پیاپی، از رویا تا زندگی، از امید تا آینده و از خاطره دیروز تا تجسم فردای زیبا.

چگونه است زندگی ما و دیگر آدمیان، درد نیایی که فاصله امید و آرزو تا واقعیت وجود دارد، چگونه است سرنوشت ما جویندگان شادی در جوی آتشها و شعبده بازان لبخند در شبکلاه درد. کاشفان قوتن شوکران، سردر هوای عشق، چشم در انتظار خورشید، با بوسه‌ای چون داغ جاودانه محبت.

بازیابی دیگر با تو سخن می‌گویم. ... از اینجا انوش است که سخن می‌گوید:

به توبه عشق بزرگمان افتخار می‌کنم. ... عشق بزرگ، منظور سازمان است - خاطره شیرین عشق ما و زند گیمان را در قلبم گرم می‌دارم و امید به آینده‌ای تابناک در وجودم جاودانی است. آری، جریان نیرومند زندگی به



## خط مشی سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مصوب چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

معضل دیربای جامعه ما توسعه نیافتگی است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به عنوان یک نیروی چپ مدافع و مروج دموکراسی، تجدد، پیشرفت، استقلال کشور و عدالت اجتماعی، تلاش در راه غلبه بر موانع توسعه را در صورت وظایف خود فراموشی دهد. فعالیت ما در خدمت زمینه سازی و پایه ریزی برنامه توسعه و اجرای آن است.

لازمه تحقق این سمت گیری، استقرار حاکمیت دموکراسی در کشور و نیز تحول دموکراتیک در فرهنگ و نهاد های سیاسی جامعه است.

رژیم جمهوری اسلامی، به دلیل خصصیت فضا هنی و استبدادی آن، جامعه ما را از جهات مختلف به عقب برده و مانع اصلی تحقق دموکراسی، تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی در ایران است. با ادامه حاکمیت این رژیم، دورنمایی برای تحقق اهداف فوق وجود ندارد. لذا مردم ایران برای رسیدن به این اهداف ناگزیر از پایان دادن به حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیتی مبتنی بر دموکراسی هستند. سازمان ما برای استقرار جمهوری پارلمانی مبتنی بر دموکراسی که شکل مناسب و ضرور نظام حکومتی برای ایران است، مبارزه می کند.

ما برای گذار از استبداد حاکم به دموکراسی و نهادی ساختن آن، بر روش های دموکراتیک مبارزه تکیه می کنیم و می گوئیم این گذار از طریق انتخابات آزاد انجام پذیرد. از جمله پیش شرط های تحقق انتخابات آزاد، تامین آزادی های سیاسی و ویژه آزادی مطبوعات و احزاب سیاسی است. برای برگزاری انتخابات آزاد، باید مقاومت رژیم حاکم از طریق فشار جنبش سیاسی و توده ای و فشار های بین المللی خنثی شود.

سازمان ما برای تشکیل یک آلترا تئود دموکراتیک که در بر گیرنده تمام نیرو های معتقد به دموکراسی و جمهوری باشد، مبارزه می کند. به این منظور مذاکره، همکاری ها و اتحاد های وسیع و محدود، دو جانبه و چند جانبه بین احزاب و شخصیت های سیاسی چپ و ملی و کانون ها و تشکل های دموکراتیک ضروری است. ما خواهان تشکیل جبهه ای از جمهوری خواهان هستیم و اتحاد نیرو های چپ و ملی را به این جبهه می شناسیم. آلترا تئود دموکراتیک مورد نظر ما باید بکوشد با سایر آلترا تئو ها بر سر چگونگی گذار به نظام منتخب مردم به توافق برسد. شرط این توافق تعهد و بیای بندی هر نیرو به پذیرش موجودیت و حق فعالیت سیاسی دیگر نیرو ها است. سازمان ما خواهان دموکراتیزه شدن مناسبات بین نیرو های سیاسی کشور است.

در مشی سیاسی ما، مبارزه علیه استبداد و تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی نقش محوری دارد.

ما برای پیش برد خط مشی خود بر تحکیم رابطه با مردم، روشنگری، بسیج و سازمان دهی توده ها تکیه می کنیم. ما مدافع از حقوق اجتماعی و اقتصادی مردم و حمایت از مطالبات و مبارزات ترقی خواهانه آن ها را از وظایف مهم خود می شناسیم. و معتقدیم مبارزه مردم و حضور متشکل آن ها در نهاد های سیاسی، دموکراتیک، صنفی و محلی از ارکان مهم تحول دموکراتیک در جامعه است. ما با کار بست تروریسم در مبارزه سیاسی مخالفیم و می گوئیم مبارزه مردم در جهت تحولات دموکراتیک در جامعه سمت گیرد و رژیم را به عقب نشینی هر چه بیشتر وادار سازد.

برای نیادی کردن دموکراسی در کشور، دگرگونی اساسی در فرهنگ سیاسی جامعه ضروری است. روشنگری و مبارزه با هر نوع گرایش و حرکت واپس گرایانه و مستبدانه، سنت های استبدادی ریشه دار، جهل و خرافات، انحرافات و بد آموزی های سیاسی در میان مردم و نیرو های سیاسی کشور، از اهم وظایف ما است.

### پیام ها به کنگره ...

### مهر دادار رفع زاده

اعضای محترم کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

... توجه شما دوستان عزیز را در امر همکاری های ملی به این مهم جلب می کنم، مقدمه تشکیل جبهه جمهوری خواهان و بی آمد گسترش آن که برپای جبهه ای ملی و نوسازی شده است، که بتواند از عهده حل مسایل امروز و فردای ایران بر آید، چیز بسیار سیاست گام به گام همکاری های عملی در زمینه های محدود و روشن ممکن نیست. مانند تشکیل ستاد دفاع از آزادی و پیش شرط های لازم در دو انتخاباتی که در پیش داریم. در رهگذر این مرحله و دیگر مراحل هرگز نباید از یاد برد که همه همراهان در بنیاد سیاسی از یک جنس نیستند و ما درگیر مبارزه در بزرگترین تحول تاریخ ایرانیم، یعنی دگرگونی از نظام دین سالاری به نظام مردم سالاری ایرانی، از همین

### دوستدار، مهر دادار رفع زاده

### رضامریزان ...

بقیه از صفحه ۱۰  
و ایرانی، هنوز راهی ممتد در پیش داریم، که با اراده گرایان و توطئه نمی توان آن را طلی کرد. امامی توانیم در شرایط دموکراسی و آزادی، زمینه های ذهنی انتقال جامعه را به سوسیالیسم، فراهم سازیم.  
... تسخیر ماشین دولت در خدمت هدف های حقیر حکومت مذهبی و ندایم

مبارزه با سیاست زن ستیز رژیم پیوسته نیرو می گیرد. ما پشتیبان این مبارزه دموکراتیک هستیم و از فعالیت روشنگرانه، کار فکری و سازمانگرانه در زمینه تامین برابر حقوق مردان و زنان حمایت می کنیم.

حرکت فرهنگی دموکراتیک در کشور، جریان بی رویه گسترش علیه اندیشه های ارتجاعی و سرکوب گرانه است. ما مشارکت در این حرکت فرهنگی و حمایت از آن را وظیفه همه نیرو های دموکرات می شناسیم.

ما برای رسیدن به ایرانی دموکراتیک و فدرال که در آن همه ملیت ها و اقوام کشور، خود را عضو برابر حقوق می بینند و واحد بدانند، علیه هر شکلی از ستم ملی در کشور مبارزه می کنیم.

فشار حکومت فقیها بر پیروان دیگر ادیان و تبعیض علیه مسلمانان غیر شیعه ادامه دارد. ما از حقوق برابر این هم می بینان و مبارزه در برابر ستمگری مذهبی رژیم حاکم حمایت می کنیم.

ما از تلاش در جهت مدیریت علمی کشور و نهاد های حکومتی و معرفی کردن شئون کشور که از اشکال فراگیر مقابله با حاکمیت فقه است، پشتیبانی می کنیم و با زتاب این تلاش ها در حکومت جمهوری اسلامی را به سود جامعه می دانیم.

ما خواهان رفع موانع موجود در مقابل بازگشت میاجرین به کشور هستیم.

ما برای تحقق اهداف خود حضور موثر و متشکل جب در ایران را ضرور می دانیم و برای نزدیکی نظری و عملی نیرو های چپ مبارزه می کنیم.

طیفی از نیرو های مذهبی در جهت پذیرش دموکراسی و حاکمیت قانون و تعهد به آن حرکت می کنند. ما با این نیرو ها سیاست بحث و گفتگو در پیش می گیریم و ضمن مخالفت با مواضع منفی آن ها، از مقاومتشان در برابر استبداد مذهبی حاکم حمایت کرده، از تحولات مثبت در میان نشان استقبال می کنیم.

ما مبارزه سیاسی و فکری با حکومت دینی و سا بر اشکال سبادت ایدئولوژیک و نظام سلطنتی را ادامه می دهیم.

سیاست خارجی کشور ما باید بر پایه تامین منافع ملی، پذیرش فواین و مفرات بین المللی، همکاری های اقتصادی، سیاسی با کشورهای جینا و برقراری مناسبات حسن همجواری با همه کشورهای منطقه بنا شود. سازمان ما علیه تشنج آفرینی، تروریسم و ضد و انقلاب اسلامی در سیاست خارجی رژیم مبارزه می کند.

سازمان ما می کوشد از امکانات و فشار های بین المللی در جهت مصالح دموکراسی و منافع ملی کشور بهره گیرد. ما مدافع منافع ملی ایران و مقابله با هر نوع توطئه خارجی علیه تمامیت مین مان را از اهم وظایف خود می شناسیم.

سازمان ما خواهان فعالیت آزادانه و علنی در کشور است و برای به دست آوردن این حق مبارزه می کند.

در پیشبرد این خط مشی، ما بر کار بست اشکال سیاسی، سازمان یافته و مسالمت آمیز تکیه می کنیم و می گوئیم مبارزه مردم با رژیم حتی الشدور در اشکال مسالمت آمیز به نتیجه برسد.

استیلابی روحانیت بر جامعه، شرایط ناموزونی بد بد آورده که جامعه را به عصبان و واکنش های عنی و حق طلبانه واداشته است.

این جاست که نقش چپ به عنوان وجدان جامعه، حضور و معنا پیدا می کند؛ تقویت صداها، شکافتن ریشه های نابسامانی ها، انتقال امواج نارضایی به آنتن های بین المللی و بسیج حرکت واحد چپ و دموکرات بی بسوند و بیسوند، در خارج برای هم صدایی با داخل و برای جهت دادن عصبان ها در بیشتر مردمی و ملی ایرانی، تا در شرایط حساس و بحران زای منطقه به انحراف کشاند نشود و دانشن سیم میژن در تدارک زمینه های استقرار دموکراسی در ایران، کار عمده ی روز برای چپ است.

همراه با این مبارزه ی مردمی و ملی، تعقیب تحولات و جایجایی های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، در جهان واقف های تازه که در منطقه و در بک بندی ها و تقسیم بندی های آسیا و آفریقا در حال رویش است و میانی نشو شده ی مبارزات جهانی در راه استقرار سوسیالیسم و مشارکت فعال در

ایران هرگز نخواهد مرد

مسئول تشکیلات  
نهضت مقاومت ملی ایران  
مهندس حسین اسدی  
۱۱ مرداد ۱۳۷۴ - ۲۲ اوت ۱۹۹۵

## نهاد یاری به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی زیر نظر خانم محسنی

مصوب چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کنگره چهارم سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت، با ابراز شادمانی بسیار از حضور خانم محسنی، این بیکار گراه آزادی و بهروزی مردم ایران، و با تعظیم در برابر درد بزرگ ایشان به منابه مادری که گرامی فرزندش را در راه آرمان های این جنبش و این کشور تقدیم کرده است، و با احترام به مقام والای همه مادران و پدرانی که در این سالیان سیاه عزیزانشان را در راه جاودان می بین سرفراز ما از دست داده اند، از خانم محسنی دعوت می کند مسئولیت و سرپرستی یک نهاد نوین را برای یاری به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی بر عهده گیرند. کنگره، شورای مرکزی را موظف می کند که با تشکیل نهاد یاری به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی، زیر نظر خانم محسنی، امکانات و تسهیلات ضروری را برای پیشرفت این امر فراهم سازد.

### قطعنامه در مورد زنان

مصوب چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نفی و بیامال ساختن حقوق زنان در کشور ما و اعمال فشار های شدید در محیط کار و زندگی بر آنان ادامه دارد. زنان هم چنان انسان های درجه دوم به حساب می آیند. دفاع از حقوق بیامال شده زنان و بسیج و تشکل آنان، بخش جدایی ناپذیر مبارزه در راه دموکراسی و انسانیت است.

کنگره چهارم سازمان، شورای مرکزی را موظف می سازد: از مبارزات زنان کشور و تلاش آن ها برای سازمان یابی حمایت کند، بنا سازمان های دموکراتیک زنان در خارج از کشور همکاری و از فعالیت های آنان پشتیبانی کند، امکانات مناسب در جهت انعکاس مسائل و خواست های زنان، در نشریه "کار" ایجاد کند

ببگیری این وظایف به عهده کمیسیونی خواهد بود که در جنب هیئت اجراییه تشکیل می شود.

### راستاهای فعالیت عملی سازمان

### در چشم انداز موجود

مصوب چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نظریه چشم انداز و وضع سیاسی،

نظریه این که:

این چشم انداز، حضور هر چه موثر نیرو های دموکرات، از جمله سازمان را، در حیات سیاسی جامعه و تحولات آن مر کز ا ایجاد می کند؛

کنگره مقرر می دارد:

شورای مرکزی و همه نیرو های سازمان تمامی تلاش و تدابیر خود را برای تامین حضور سازمان، چنانکه در خوران و موقعیت سیاسی است، بکار گیرند.

نشریه کار، از هر باره تقویت شود؛

سازمان با تدویم و گسترش مناسبات موجود، در خارج کشور در راستای ایجاد و تقویت مناسبات با نیرو های سیاسی و روشنگری اپوزیسیون در داخل کشور جهت گیرد؛

روابط بین المللی، همبای روابط عمومی، در ترسیم وضعیت واقعی اوضاع و تقویت اعتراضات نیرو های خارجی علیه سرکوبگری و استبداد جمهوری اسلامی عمل کند؛

تشکیلات خارج کشور بر طبق الزامات این جیات فعالیت، سازمان دهی و تقویت شود. این تشکیلات همچنین نیروی اجرای این جیات کار است؛

امکانات موجود بخش راد بر بی - تلویزیونی بکار گرفته شوند.

به لحاظ مالی تحقق این راستاها متکی به مشارکت تشکیلات است.

تشکیلات خارج کشور سازمان، موظف است تا بین نیاز های مالی برنامه ای مبتنی بر این راستاها را متمهد شود.

سازماندهی های ضروری برای تجبیز سازمان به برنامه سیاسی انجام شوند.

استفاده از امکانات و تشکلهای قانونی و نیمه قانونی در داخل کشور، شرکت در این تشکل ها و گسترش آن ها مورد توجه قرار گیرد.

### قطعنامه در مورد مسائل مالی

مصوب چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مشی مالی سازمان بر مشارکت همه اعضا و اداران سازمان در تامین نیاز های مالی برای پیشبرد امور جاری و توسعه فعالیت های سازمان، متکی است. در این راستا کنگره چهارم، کلیه واحدهای سازمانی و تک تک اعضای خود را متعهد می داند ابزار لازم را فراهم و همکاری های در خور را با شورای مرکزی منتخب به عمل آورند.

کنگره، نیاز مالی سازمان - علاوه بر منابع موجود - را بر آورد و با توافقی رفقای عضو واحدهای مختلف سازمانی، سیمیه تشکیلات سازمان در کشورهای مختلف را تعیین نموده است. واحدهای مختلف سازمانی موظفند هر شش ماه یکبار یک چهارم سیمیه فوق را به صندوق مرکزی سازمان واریز نمایند. موعد اولین پرداخت فاد و ماه پس از پایان کنگره می باشد.

### توضیح

اسناد مربوط به خط مشی سیاسی، که به کنگره چهارم سازمان ارایه شدند و به تصویب نرسیدند، جهت آگاهی خوانندگان، در شماره آینده نشریه "کار" به چاپ خواهند رسید.

# قطعه نامه پیرامون اوضاع سیاسی

مصوبه چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حل اختلافات است.

۱۶. ما خواهان پایان فوری جنگ در افغانستان از طریق مشارکت و همکاری همه طرف‌های جنگ داخلی در این کشور هستیم. کمک‌های نظامی و تسلیحاتی قدرت‌های خارجی و کشورهای همسایه، از جمله عربستان و پاکستان و ایران، به طرف‌های درگیر در جنگ باید قطع شود و سازمان ملل متحد در افغانستان نقش فعال‌تری بر عهده گیرد. مابین‌تفاوتی جامعه ملل را نسبت به فجایعی که در کشور همسایه شرقی ما می‌گذرد، تفتیح می‌کنیم.

۱۷. ما از صلح خاورمیانه حمایت می‌کنیم و خواهان نامین کلیه حقوق ملی فلسطینیها، تخلیه کامل اراضی اشغالی در کرانه غربی رود اردن، بیت المقدس شرقی، نوار غزه، جنوب لبنان و بلندی‌های جولان هستیم. ما از تشکیل دولت مستقل فلسطینی و از موجودیت و امنیت اسرائیل در چپا رجوب مرزهای قبل از ژوئن ۱۹۶۷ دفاع می‌کنیم.

ما موضع رژیم اسلامی در مورد صلح خاورمیانه را مخرب می‌شناسیم و آن را به زیان منافع ملی کشور و امنیت منطقه و حقوق مردم فلسطین میدانیم. ما از عادی سازی روابط ایران و اسرائیل استقبال می‌کنیم و آن را در خدمت صلح در خاورمیانه میدانیم.

۱۸. ما خواهان گسترش و تحکیم مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای تازه استقلال یافته آسیای شوروی سابق هستیم. ما تلاش‌های جمهوری اسلامی در جهت صدور ایدئولوژی خود به این جمهوری‌ها را، که مانع گسترش روابط فیما بین است، محکوم می‌کنیم. ما خواهان توافق بر اساس قرادادهای شناخته شده بین المللی و منافع کشورهای همجوار دریای خزر، برای استفاده از منابع این دریا می‌باشیم و با سیاست دورنگاه داشتن ایران از بهره برداری از منابع موجود در این دریا مخالفیم.

۱۹. ما از گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی کشورهای منطقه استقبال می‌کنیم و خواهان گام برداشتن در جهت ایجاد بازار مشترک منطقه ای هستیم.

## اوضاع جهان

۲۰. نظام نا عادلانه اقتصاد جهانی، یکی از علل میم فقر و عقب ماندگی کشورهای کم رشد یافته است. ملل این کشورها علیرغم آن که اکثریت جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، تنها از بخش اندکی از منابع و ثروت‌های جهانی بهره می‌برند. برای غلبه بر این بی عدالتی، باید در نظام مبادلات جهانی، نیروی کار انسانی و مواد خام جهان سوم ارزش و موقعیت واقعی خود را بیابند، مکانیزم‌های مؤثر برای جلوگیری از اعمال فشار اقتصادی کشورهای نرومند بر کشورهای فقیر ایجاد شود، بدهی کشورهای فقیر به جهان نرومند لغو گردد و همکاری‌های اقتصادی بین المللی در جهت رشد و توسعه کشورهای عقب مانده گسترش یابد.

۲۱. بحران و جنگ‌های منطقه ای که با پایان جنگ سرد، به خطر اصلی علیه صلح و امنیت جهانی تبدیل شده است، باید از طریق سیاسی و با مشارکت همه طرف‌های ذی‌نفع فیصله یابد. بدین منظور باید صادرات اسلحه از سوی کشورهای نرومند محدود شود و همکاری‌های بین المللی و منطقه ای جای مسابقات تسلیحاتی را بگیرد.

۲۲. کره زمین بر اثر استعمار بی رحمانه منابع آن، به ویژه توسط کشورهای نرومند در شرایط نگران کننده ای قرار گرفته است که موجودیت آینده نسل‌های آتی بشر را به زیر سؤال برده است. برای پایان دادن به بحران اکولوژیک باید حقوق بین الملل، موازین و معیارهای زیست بومی را نیز در بر گیرد و ابزارهای مؤثر بین المللی اقتصادی و سیاسی برای اعمال کنترل جامعه بین المللی بر چگونگی بهره برداری از منابع کره زمین ایجاد گردد.

۲۳. آفت ناسیونالیسم افراطی و بنیاد گرایی عامل بسیاری از فجایع جهان امروز است. در مقابله با این افکار و روحیات ارتجاعی، ما مدافع انترناسیونالیسم، همبستگی ملت‌ها، جدایی دین از دولت و برابری همه انسانها صرف نظر از جنس، ملیت و مذهب هستیم. این اصول باید به اصول حاکم بر زندگی انسان‌ها تبدیل شود و در مقیاس بین المللی ابزارهای سیاسی و فرهنگی برای دفاع مؤثر از آن ایجاد شود.

۲۴. ما مدافع همکاری هر چه بیشتر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای در مقیاس منطقه ای و بین المللی هستیم. برای این که این همکاری‌ها در مقیاس بین المللی بر مبنای عادلانه و برابری حقوق صورت گیرد، ما از فرم در سازمان‌های بین المللی و به ویژه سازمان ملل متحد دفاع می‌کنیم. ما ضمن این که از افزایش نقش این سازمان در حیات بین المللی دفاع می‌کنیم، برای این که سازمان ملل به ابزار اعمال مقاصد قدرت‌های بزرگ تبدیل نشود، خواهان لغو حق وتوی اعضای دائمی شورای امنیت و پیوستن نمایندگان از کشورهای کم رشد یافته به جمع این اعضای دائمی هستیم.

۲۵. ما تروریسم در همه اشکال دولتی و غیردولتی آن را محکوم می‌کنیم و خواهان تعهد همه دولت‌ها به عدم حمایت از تروریسم هستیم.

است. این همکاری‌ها در شرایط کنونی ضعیف است و سیاست سرکوب گرانه رژیم، به ویژه در داخل کشور مانع نزدیکی خواهان با یکدیگر می‌شود. ما پیگیری و ایستادگی برای همکاری و اتحاد عمل نیروهای چپ و ملی و یافتن راه‌های مناسب برای تقویت این همکاری‌ها را از وظایف مهم خود می‌شناسیم.

۷. ما سیاست‌ها و اعمال ضد دموکراتیک مجاهدین در رابطه با مردم، اپوزیسیون و هم چنین علیه معترضین درون این سازمان را مغایر با اصول دموکراسی و منافع ملی می‌دانیم. انتخاب رئیس جمعی و کا بینه موقت از سوی مجاهدین به نیابت از سوی مردم، نقی حق انتخاب مردم و عملی ضد دموکراتیک است. ما مبارزه با این سیاست‌ها و اعمال و نقدها را جزو وظایف خود می‌شناسیم.

ما خواهان آنیم که مجاهدین از روش‌های خصمانه و کینه توزانه دست بردارند. ما از منظر دموکراسی و مبارزه با این سطح استقبال می‌کنیم.

۸. ما با بازگشت رژیم پهلوی و سلطنت به کشور مخالفیم. ما پذیرش برخی مواضع دموکراتیک از سوی بخش مشروطه خواه سلطنت طلبان را مثبت می‌دانیم و آن‌ها را به کار بست این مواضع در رابطه با اعمال رژیم شاه و در مناسبات با سایر نیروها فراموش نمی‌کنیم. ما از منظر دموکراسی و مبارزه با این نیروها و مناسبات با سایر نیروها از جمله مسائل مربوط به نوع گذار و حکومت آتی و عملکردهای رژیم شاه استقبال می‌کنیم.

## پیرامون مسائل سیاسی روز

۹. حکومت اسلامی هم چنان به دستگیری و اعدام مردم بی‌گناه، ترور مخالفین و تعطیل مطبوعات ادامه می‌دهد و به درخواست‌های مجامع بین المللی و سازمان‌های حقوق بشر و قوی نمی‌گذارد. ما این اقدامات را محکوم می‌کنیم و از همه نیروهای آزادی خواه در خارج از کشور می‌خواهیم همه امکانات خود را برای جلب افکار عمومی جهان و مجامع مختلف بین المللی جهت اعمال فشار به حکومت اسلامی علیه سرکوب و کشتار مردم بی‌گناه به کار گیرند.

۱۰. ما از فشارهای بین المللی برای راد کردن رژیم اسلامی به پذیرش صلح خاورمیانه، اجتناب از صدور تروریسم و انقلاب اسلامی و رعایت حقوق بشر حمایت می‌کنیم و تحریم صدور تکنولوژی مورد استفاده در تولید سلاح اتمی را قابل پذیرش می‌دانیم. اما ما مخالف تحریم اقتصادی ایران هستیم. تحریم اقتصادی به زندگی مردم ما، منافع ملی و آینده کشورزبان می‌رساند. مردم ما نباید ناوان اقدامات و سیاست‌های ضد ملی، ماجراجویانه و ضد دموکراتیک رژیم اسلامی را بپردازند.

۱۱. تجویز پیش از پیش کشورهای منطقه به سلاح‌های مدرن و تبدیل منطقه به زرادخانه عظیم غیر قابل پذیرش است. تحریم اقتصادی، ماجراجویی‌های نظامی در منطقه و صدور بی‌محابای سلاح به کشورهای منطقه، تهدیدات اسرائیل به مبارزان تاسیسات اتمی ایران و تعیین جانشین برای حکومت اسلامی از سوی بیگانگان، مورد مخالفت ما و هر نیروی دموکرات و میمن دوست است. ما خواهان برقراری مناسبات عادی بین ایران و آمریکا هستیم و این مناسبات را به سرود و کشورهای میمن امنیت در منطقه می‌دانیم. ما با اقدامات و سیاست‌های غربی هر آن‌جا که با منافع ملی و مصالح مردم ما مغایرت یابد، مخالفت خواهیم کرد.

## اوضاع منطقه

۱۲. ما تلاش قدرت‌های خارجی و به ویژه آمریکا برای ادامه و گسترش حضور نظامی در منطقه را مغایر با منافع کشورهای منطقه می‌دانیم و معتقدیم امنیت منطقه ای، نه علیه این یا آن کشور، بلکه با مشارکت همه کشورهای منطقه در یک سیستم امنیت جمعی منطقه ای قابل دسترس است.

۱۳. ما تلاش برای عادی سازی مناسبات ایران و عراق جانبداری می‌کنیم و به این منظور خواهان روشن شدن سرنوشت همه اسرای جنگی و آزادی آنان، به رسمیت شناختن متقابل مرزها بر مبنای قراداد ۱۹۷۵، پذیرش و اجرای کامل و بدون قید و شرط قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از جانب تهران و بغداد و عدم مداخله و طرف در امور داخلی یکدیگر می‌باشیم.

۱۴. ما سرکوب خلق کرد توسط دولت‌های ترکیه، عراق و ایران را محکوم می‌کنیم و خواهان حل سیاسی مساله کردها در کشورهای منطقه هستیم. تا هنگامیکه تضمین‌های کافی برای جلوگیری از حمله رژیم عراق به شمال این کشور و وجود نیاید، ما از اقدامات و تدابیر سازمان ملل متحد برای حفظ امنیت مردم کردستان عراق دفاع می‌کنیم.

۱۵. ما ضمن رداد عا‌های امارات متحده عربی در مورد جزایر ایرانی و مخالف با دخالت دولت‌های خارجی در این اختلاف، خواهان انجام مذاکرات دو جانبه بین ایران و امارات متحده عربی و حل و فصل این مساله به طرر مسالمت آمیز بودن کاربرد قهر یا تهدید به قهر هستیم. توافقات قبلی میان ایران و امارات متحده عربی درباره جزایر مینای مناسبی برای

۱. بحران در کشور ما به مرحله خطرناکی رسیده است. اقتصاد کشور و رشکسته و تولید ملی به شدت سقوط کرده است. اختلافات طبقانی گسترش بی‌سابقه ای یافته، فقر و بیکاری بیداد می‌کند. گسترش فساد در جامعه و پیش از آن در دستگاه مالی و اداری دولت، افزایش جمعیت، تخریب منابع ملی، تشدید آلودگی محیط زیست از جوانب دیگر مصائبی است که جامعه ما با آن‌ها روبروست. این وضع نتیجه حاکمیت رژیم فقه‌است.

برنامه تعدیل اقتصادی که ظاهراً برای غلبه بر بحران اقتصادی طراحی شده بود، به دلایل مختلف، به ویژه ساختار سیاسی رژیم فقه‌است، شکست خورد.

حکومت اسلامی هم چنان بر سیاست سرکوب، اختناق و تروریسم پای می‌فشارد و از آزادی بیان و مطبوعات و فعالیت آزادانه تشکل‌های سیاسی، صنفی و دموکراتیک ممانعت می‌کند. استبداد فقه‌ای بزرگترین مانع حل مشکلات کشور ما است.

حل بحران جامعه ما مستلزم همفکری و همکاری وسیع ترین نیروهای سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال مردم در تعیین سرنوشت کشور است.

شرط مقدم این امر، نامین آزادی‌های سیاسی است. اما در شرایط کنونی دورنمایی برای تحول سیاسی دموکراتیک در حکومت اسلامی مشاهده نمی‌شود.

۲. در نتیجه تشدید بحران اقتصادی و تداوم استبداد سیاسی و فشارهای اجتماعی، اعتراضات مردم و جنبش کارگری از رشد قابل توجهی برخوردار شده است. تنها در یک سال گذشته، ده‌ها اعتصاب کارگری و اعتراض مردمی رخ داده است. ما از خواست‌های برحق مردم و حرکت‌های اعتراضی آن‌ها حمایت می‌کنیم و معتقدیم مبارزه مردم و حضور متشکل آن‌ها در نهاد‌های سیاسی، دموکراتیک، صنفی و محلی یکی از پایه‌های مهم تحول دموکراتیک در جامعه است.

سازماندهی این مبارزات و ارتقاء آن‌ها به یک جنبش سیاسی با خواست نامین آزادی‌های سیاسی، کارروشنگرانه برای سوق دادن این مبارزات در اشکال مسالمت آمیز و سازمان یافته، و وظیفه تمام نیروهای دموکراتیک است. این نیروها باید بکوشند مبارزات مردم در جهت استقرار دموکراسی و پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی سمت پیدا کند.

اشکال شورشی و انفجاری اعتراض مردم نتیجه خفقان و استبداد حاکم است که امکان اعتراض در اشکال مسالمت آمیز را از مردم سلب کرده است. ما ضمن حمایت از اعتراضات توده‌ای، توجه مردم را به پیامدهای منفی حرکات تخریبی و بهره برداری رژیم حاکم و نیز گرایش‌های مستبد در اپوزیسیون جلب می‌کنیم.

۳. حرکت‌های اعتراضی مردم، جنبش روشنگرانه سیاسی فرهنگی، حدت یافتن بحران اقتصادی، اختلافات در حکومت و نیز فشارهای بین المللی زمینه را برای تشدید فعالیت نیروهای مخالف در داخل کشور فراهم آورده است. این فعالیت‌ها متوجه لغو سانسور، نامین دموکراسی در کشور و عمدتاً در جهت استقرار جمهوری پارلمانی به جای رژیم جمهوری اسلامی قابل ارزیابی است. فعالیت نیروهای آزادی خواه هنوز با حرکات اعتراضی مردم و خواسته‌های آنها بیرون نخورده و در سمت‌دهی آنها نقشی ندارد.

ما از خواست‌های این جنبش حمایت می‌کنیم و بر پیوند این جنبش با حرکات اعتراضی مردم و مبارزات نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور تأکید می‌کنیم و می‌کوشیم از درون این مبارزات آلترناتیو دموکراتیک پیدا آید. ما تشکیل یک آلترناتیو دموکراتیک از سازمان‌های سیاسی، تشکل‌های دموکراتیک و شخصیت‌های سیاسی معتقد به دموکراسی و نظام جمهوری پارلمانی مبتنی بر دموکراسی را ضروری می‌دانیم.

۴. نوازن قوا در حکومت به سود جناح رسالت به هم خورده و موقعیت رفسنجانی به شدت تضعیف شده است. گروه بندی رسالت در صدد است در انتخابات آتی مجلس شورای ریاست جمهوری، قوه مجریه را نیز تحت کنترل خود در آورد. فیضه قوه مجریه توسط رسالت وضع کشور را از این نیز بدتر خواهد کرد و در درون حکومت نیز با مخالفت‌های جدی روبروست. ما خواهان آنیم که به دخالت شورای نگهبان در انتخاب کاندیداها و سایر مراحل انتخابات پایان داده شود.

روند تجزیه در بین نیروهای موسوم به خط امام پیشتر شده است. بخشی از این نیرو بر موضع ارتجاعی خود باقی مانده است و بخش دیگری مواضع دموکراتیک تماماً پیدا کرده است. فاصله گرفتن دسته‌ای از نیروهای اسلامی از برخورد‌های قشری و ضد دموکراتیک و پذیرش حاکمیت قانون و برخورد ایده‌های دموکراتیک روند مثبتی است. ما ضمن ادامه برخورد انتقادی نسبت به مواضع منفی این نیروها، آن‌ها را به اتخاذ مواضع دموکراتیک و پذیرش مناسبات عادی با دول و مجامع بین المللی فرامی‌خوانیم.

## مناسبات با سایر نیروهای اپوزیسیون

۵. برای تحقق دموکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی حضور نیرومند و متشکل نیروی چپ ضروری است. ما نیروهای چپ را به همکاری و اتحاد عمل‌های وسیع و گفتگو پیرامون مسائل نظری و حل اختلافات سیاسی فرامی‌خوانیم.

۶. ما مدافع همکاری و اتحاد عمل‌های وسیع نیروهای چپ و ملی هستیم. اتحاد نیروهای چپ و ملی پایه اتحاد جمهوری خواهان دموکرات





# پیام‌ها به چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

گروهی از احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های سیاسی دوست سازمان، با ارسال پیام‌هایی به کنگره چهارم سازمان، این کنگره را مورد پشتیبانی و حمایت قرار دادند و برای آن آرزوی مقاومت کردند. این پیام‌ها در کنگره خوانده شد و مورد استقبال نمایندگان قرار گرفت. در زیر قسمت‌هایی از این پیام‌ها را می‌خوانید.

## حزب دموکرات کردستان ایران

هیئت اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شرکت کنندگان محترم کنگره

### دوستان گرامی!

ضمن درودهای گرم دوستانه، برگزاری چهارمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران را به شما تبریک می‌گویم و برای کارهای آن موفقیت هرچه بیشتر آرزو می‌کنیم. دوستان عزیز، برکسی پوشیده نیست که سرکوب و اختناق را که رژیم جمهوری اسلامی طی ۱۶ سال حاکمیت خود بر کشورمان ایران تحمیل کرده است، دیگر غیر قابل تحمل شده است. فقر، بیکاری، نبود آزادی و اعمال استبداد عریان مردم کشور ما را به سته آورده است. دخالت‌های رژیم اسلامی در امور داخلی کشورها، دیگروهای دیگر، مساعدت‌های بی‌دریغ مادی به گروه‌های تروریست و افراطی از بیت‌المال این مردم گرسنه به منظور ایجاد و گسترش ناامنی در این کشورها موجب اعتراض دولت‌ها و محافل بین‌المللی شده است. از طرف دیگر، علی‌رغم اعمال سیاست سرکوب و اختناق، در دو سال گذشته شاهد خیزش بالندگی هموطنانمان بوده‌ایم. تظاهرات اعتراضات اقشار مختلف مردم، هنرمندان، روزنامه‌نگاران، امرای ارتش و روحانیون برکنار از حاکمیت، آغاز دورانی جدید از مقابله با سلطه استبدادی آخوندی‌های حاکم را نیت می‌دهد. بخشی از کشورهای خارجی نیز علیه رژیم دست به باره‌ای اقدامات تنبیهی زده و روزبه روز عرصه را بر

حاکمیت جمهوری اسلامی نتگتر می‌نمایند و رژیم رادرنزوای بیشتری قرار می‌دهند. در این میان جای بسی تأسف است که اپوزیسیون ایران بی‌توجه به اوضاع جاری هنوز هم درگیر بحث و جدل‌هایی است که می‌تواند سال‌های سال ادامه داشته باشد.

### دوستان عزیز

سلام های گرم ما را به مناسبت برگزاری کنگره سازمان خود بپذیرید. این کنگره در تدقیق منی سازمان شما برای مبارزه‌ای متحد در راه گشایش فضای سیاسی آزادی احزاب و مطبوعات و برگزاری انتخابات آزاد در ایران فرین موفقیت باشد و زمینه‌ی همکاری همه‌ی جمهوریخواهان آزاد پیخواه ایران را برای استقرار یک جمهوری غیرمذهبی و مبتنی بر حقوق بشر، فراهم تر سازد.

## نهضت مقاومت ملی ایران

هیئت رئیسه‌ی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### دوستان گرامی!

پس از سلام، ما بلییم آرزوی صمیمانه‌ی خود را در توفیق چهارمین کنگره‌ی سازمان شما ابراز نماییم. کنگره‌ی شما در زمانی تشکیل می‌گردد که ۱۶ سال حکومت ولایت فقیه میهنمان را در تمام زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به بحران کشانده است. عدم کنفایت حکام کنونی در حل مسائل کشور، گسترش روزافزون فقر و تنگدستی هرچه بیشتر اقشار جامعه و ادامه‌ی سیاست‌های سرکوب و اختناق توسط سردمداران رژیم جمهوری اسلامی حال و آینده‌ی کشور را دچار خطرات سهمگینی نموده است. نجات کشور از بحران کنونی و استقرار نظامی دموکراتیک برپایه‌ی همزیستی گرایش‌های گوناگون سیاسی، همگامی کلیه‌ی نیروهای دموکرات و ملی را ضروری می‌نماید. نیروهای معتقد به دموکراسی اکنون باید کوشش نمایند با گسترش مبارزات خود و ارائه‌ی راه حل‌های قابل قبول مردم، از بروز انفعالی مخرب و سرکوب آمیز جلوگیری نموده و مبارزات مردم را به

سمت مبارزه‌ای سیاسی و استفاده از ابزار امکان‌ناهی متناسب با آن سوق دهند. گذار از نظام استبدادی ولایت فقیه به حکومتی متکی بر حاکمیت مردم از طریق حفظ چهارچوب و مبنای این رژیم یعنی قانون اساسی جمهوری اسلامی میسر نیست. این گذار مستلزم کوشش نیروهای دموکرات برای جلب اعتماد مردم به برنامه‌های خود و تقویت صفوف خویش برای پیروزی در انتخابات آزادی است که نمایندگان منتخب مردم در مجلس مؤسساندی که برای تدوین قانون اساسی جدید تشکیل می‌گردد اکثریت داشته و قادر باشند آن قانون اساسی را برای نظام آینده‌ی مملکت پایه‌ریزند که بر اصول

- استقلال سیاسی و تمامیت ارضی کشور -حاکمیت ملی و دموکراسی -جدایش دین از حکومت استوار باشد. در خاتمه، مجدداً برای کنگره‌ی شما آرزوی موفقیت می‌نماییم و امیدواریم که نمایندگان محترم شرکت کنندگان با توجه به شرایط خطیر مملکت چنان سیاست‌ها و روش‌های مبارزاتی را مورد تصویب قرار دهند که روند بنیه در صفحه ۷

## حزب دموکراتیک مردم ایران

خطاب به شرکت کنندگان در کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### رفقای گرامی!

بامسرت فراوان از برگزاری کنگره سازمان شما باخبر شدیم. باید بگوییم که در چند ماهه اخیر، از طریق نشریه «کار» در جریان مباحث پراهمیت کنگره شما قرار داریم و با اشتیاق آنها را دنبال می‌کنیم. برگزاری این کنگره، نه فقط از این جهت ارزشمند است که وفاداری شما را به رعایت قواعد دموکراتیک در درون سازمان و تعهد به خرد جمعی نشان می‌دهد، بلکه پویزه‌ای است که به مباحث مطروحه در آن، واجد اهمیت و ارج فراوان است.

به اعتقاد ما دستیابی به یک خط مشی سیاسی خالی از ابهام و روزمنده که بر چگونگی فعالیت‌های سیاسی

## جمهوری خواهان ملی ایران

دوستان عزیز سلام های گرم ما را به مناسبت برگزاری کنگره سازمان خود بپذیرید.

این کنگره در تدقیق منی سازمان شما برای مبارزه‌ای متحد در راه گشایش فضای سیاسی آزادی احزاب و مطبوعات و برگزاری انتخابات آزاد در ایران فرین موفقیت باشد و زمینه‌ی همکاری همه‌ی جمهوریخواهان آزاد پیخواه ایران را برای استقرار یک جمهوری غیرمذهبی و مبتنی بر حقوق بشر، فراهم تر سازد.

## ابوالحسن بنی صدر

کنگره محترم فدائیان خلق (اکثریت)

تشکیل کنگره در تبریک می‌گویم روبره مناسبت، یادآور می‌شوم که تجربه، تمایل‌های سیاسی را به این نتیجه رسانده است که مردم سالاری نظام در خور ایران امروز است. پس برای اینکه مبارزه برای استقرار مردم سالاری به نتیجه برسد، باید آثار تمرین کرد. از اصول راهنمای مردم سالاری، در اصل، یکی استقلال و دیگری آزادی، از جمله بدین معنی هستند که هیچ قدرتی در بیرون مرزها و هیچ بنیاد سازمان و شخصیتی در درون مرزها شریک حاکمیت و ولایت مردم ایران نیستند. بنابراین محک باور به مردم سالاری مبارزه با هرگونه مداخله قدرتی خارجی، از مستقیم و غیرمستقیم، در امور داخلی ایران و کوشش دراز میان برداشتن وابستگی‌هایی است که به قدرت‌های بیگانه امکان می‌دهند در امر کشور ما مداخله کنند. بدین قرار، تنها جانبداری از مردم سالاری و اصلی از اصول راهنمای آن، استقلال، کنفایت نمی‌کند. باید با هرگونه مراجعه به قدرتیای خارجی نیز قاطعانه مبارزه کرد. هر کس و هر گروه، به خریبانه به قدرت خارجی مراجعه می‌کند، به حکم مراجعه، ضدیت خویش را با مردم سالاری اعضا می‌کند. و نیز نمی‌توان خود را

نیروهای چپ دموکرات و تأمین بیشترین شانس تحقق دموکراسی در کشورمان ایران پرتو افکنند، از مهم ترین دستاوردهای جنبش اپوزیسیون دموکراتیک خواهد بود و ماصمیمانه موفقیت شما را در تنظیم چنین خط مشی‌ای آرزو می‌کنیم. شاید لازم به یادآوری نباشد، که حزب ما در اصلی‌ترین آماج‌های دموکراتیک و عدالت‌خواهانه، خود را پیش از هر کس به سازمان شما نزدیک می‌داند و درست به همین دلیل، با اشتیاق و حساسیت فراوان به نتایج کنگره شما چشم دوخته است.

بدین وسیله، دست‌های شمارا به گرمی می‌فشاریم و بیشترین آرزوهای خود را تقدیم می‌کنیم.

باینقیافته ترین درودها

حزب دموکراتیک مردم ایران

تیرماه ۷۴

## جمهوری خواهان ملی ایران

گرایش‌های ملی و چپ در طیف جمهوریخواهان نیروی بالنده بزرگی در داخل و خارج کشور هستند، باشد که اتحاد و همکاری سازمان یافته‌ی ما در آینده‌ای هرچه نزدیک‌تر، این نیرو را فعال‌تر و مشکل‌تر کند.

دوستان را می‌فشاریم و کامیابی شما را در این کنگره آرزو مندیم.

جمهوریخواهان ملی ایران از طرف شورای مرکزی حسن شریعت مداری

## ابوالحسن بنی صدر

کنگره محترم فدائیان خلق (اکثریت)

جانبدار مردم سالاری شمرد و با زور پرستانی الفت جست که مردم را نادان و خود را صاحب ولایت بر مردم می‌شناسند. مبارزه با مثلث زور پرست و از صحنه سیاست کشور بدر کردن آنها، تمرین مردم سالاری و تدارک شرائط استقرار آن در میهن عزیز ما است. ... می‌دانید که باور به اصول راهنمای مردم سالاری و مبارزه نیز کنفایت نمی‌کند. باید مردم سالاری به یک فرخنگ بدل شود. باید جامعه‌ی جوان آرمان‌های واقع بینانه و قابل حصول و بدانیا آینده‌ی و به آینده امید پیدا کند. ... اگر تمایل‌های سیاسی، صاحب اندیشه بگردند و از راه میادله، جریان اندیشه و بدان اندیشه، مردم سالاری را وجدان عمومی بگردانند، ایران با شتاب بیشتری مردم سالاری ورشد را باز خواهد یافت

از خداوند بزرگ می‌خواهم که عموم ایرانیان را به آزادی و استقلال ورشد و عدالت خواهی که میزان و ضابطه عمومی است، هدایت فرماید. پیروزی کنگره شما را در مستقیم کردن و استوار گرداندن سازمان شما در صراط استقلال و آزادی، آرزو می‌کنم.

ابوالحسن بنی صدر ۵ مرداد ۱۳۷۴

## سازمان سوسیالیست‌های ایران

شیوه‌های دموکراتیک نبوده و به سادگی به استقرار دیکتاتوری دیگری منجر خواهد شد.

ما از خواست‌های مطروحه در اعلامیه‌ها و بیانیه‌های اخیر میلیون ایران مبنی بر اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی، برقراری آزادی بیان، قلم، اجتماعات، سازمان‌ها و احزاب و برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک پشتیبانی می‌کنیم. زیرا ما دموکراتیک‌تر از هر جامعه و تشکیلی با این آلترا تئو دموکراتیک را فقط از این طریق ممکن می‌دانیم.

به نظر ما نیروهای طیف چپ ایران با رد دیگر در مقابل دوراهی سرنوشته‌ی سازی قرار گرفته‌اند.

حرکت از داده‌های واقعی حاکم بر جامعه ایران یعنی مبارزه به خاطر دفاع از استقلال و تحقق آزادی، دموکراسی و رفاه اجتماعی و از این طریق هم سر و همگام شدن با میلیون ایران با حفظ هویت سیاسی، ایندولوزیک و سازمانی خود و با همچون گذشته مبارزه بر محور بندگان و تحولات بدو را از واقعیات اجتماعی.

با آرزوی موفقیت برای کنگره شما زنده باد استقلال، آزادی، دموکراسی و رفاه اجتماعی زنده باد ایران

با تقدیم احترام و درودهای فراوان از سوی هیئت اجرایی سازمان سوسیالیست‌های ایران دکتور منصور بیات زاده ۴ مرداد ۱۳۷۴

## رضامریزان

### رفقا!

کنیم و از موضعی استوار و باز، به حال و آینده بگریم. گزینش راه‌های حرکت و همراگان حرکت، دقیق و متعینتر میسر خواهد شد.

وفاداری به سوسیالیسم، آگاهی طبقاتی و مبارزه‌ی اجتماعی برای استقرار عدالت اجتماعی، یا با سادگی از آزادی و حاکمیت مردم (یعنی دموکراسی) دوری یک سکه است و چپ بر سر آنچه یاد یگان، در حرکت ملی، مشارکت دارد، مجال کار جمعی هم دارد و این وحدت عمل، به مثابه‌ی عدول از مواضع بنیادین او نیست. اما انتخاب همراگان، مستقیم با میزان واقع بینی، و آینده‌نگری چپ ارتباط پیدا می‌کند و میزان شناختی که از بافت و ضرورت‌های اجتماعی سرزمین خود دارد.

ما چپ‌ها، نباید فراموش کنیم که نقش وجدان جامعه را ایفا می‌کنیم. اگر امروز در عرصه‌ی قدرت حضور نداشت باشیم، مهم نیست ولی در سازمان‌دهی انتقال قدرت به گذاری دموکراتیک، مسئولیتی تاریخی بر عهده‌ی ما است. مسئولیتی که استبداد و اختناق شاه، در استانه‌ی انقلاب، آن را لوت کرد و امروز با این انسان‌های سرخ و کبود تجربه، دیگر نمی‌توانیم شانه از زیر بار آن خالی کنیم. آلترا تئو نظام اسلامی، یک نظام سوسیالیستی بلافاصله نیست؛ ما نا رسیدن به مرحله‌ی نظام سوسیالیستی با توجه به شرایط جهانی

بنیه در صفحه ۷

خانم‌ها و آقایان، دوستان محترم! تشکیل چهارمین کنگره‌ی شما را به همه‌ی اعضا، و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تبریک می‌گوییم و امیدواریم که کنگره با اتخاذ تصمیمات لازم در جهت پیشبرد اهداف و مبارزات آن سازمان گام‌های اساسی بردارد.

دوستان عزیز، بطور حتم سازمان شما با شرایط حاکم بر ایران و مشکلاتی که مردم ایران در راه حفظ استقلال و استقرار آزادی و دموکراسی و تأمین حداقل رفاه اجتماعی با آن روبرو هستند، کاملاً آشنا می‌دارد. ولی باید آنگان داشت که متأسفانه بر سر رسیدن به این اهداف بین نیروهای اپوزیسیون اختلاف نظر وجود دارد.

به نظر ما سوسیالیست‌های ایران، فقط با آگاهی و بسیج مردم و بدون وابستگی به نیروهای بیگانه می‌توان قدم به قدم به این اهداف دست یافت. آگاهی و بسیج مردم نیز فقط از طریق دموکراتیک یعنی برقراری حکومت قانون، آزادی احزاب و تجمعات و آزادی بیان و قلم و مطبوعات و ... امکان پذیر است.

بنظر ما طرح شعارهایی از قبیل سرنگونی قهرامین رژیم و یا تشکیل بلافاصله مجلس مؤسسان، بدون اینکه سازمانها، احزاب و دستجات سیاسی امکان فعالیت آزاد بخاطر طرح برنامه‌های سیاسی خود را کسب کرده باشند، در خدمت دموکراتیک کردن جامعه، یعنی حل مشکلات اجتماعی - سیاسی به

## ارنست مندل در گذشت

ارنست مندل اقتصاددان نامداری که به خاطر تئوریهایش در زمینه بحرانها و ساختار سرمایه به داری معاصر آوازه ای به سزا یافته بود، او امس ۲۱ جولای (۲۱ جولای) در برنو کسل چشم از جهان فرو بست. مندل از سرشناسترین شارحان و بسط دهندگان تئوری اقتصاد مارکسیستی بود که نقد های اساسی اش نسبت به ماهیت و کارکرد نظام سرمایه داری موجب ممنوعیت ورود او به آمریکا و چندین کشور اروپای غربی در دهه هفتاد گردید.

ارنست مندل سال ۱۹۲۳ در فرانسه زاده شد و در گرما گرم جنگ جهانی دوم برای درمان ماندن از تعقیب نازی ها به بلژیک گریخت. نازی ها او را در آنجا به عنوان یکی از فعالان جنبش مقاومت دستگیر کردند و مدتی در حبس و در اردوگاه های کار خود نگاه داشتند. مندل پس از جنگ جهانی دوم در بلژیک ماندگار شد و تا آخر عمر استاد دانشگاه لیبره در این کشور بود.

مندل در مجموعه آثاری که از خود برجای نهاد، قبل از دیگران روند های نوین جهانی شدن اقتصاد سرمایه داری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و ادغام و فراملی شدن بازارهای مالی را پیش بینی نمود. انتقال سریع سرمایه در جهان و گرایش دم افزون سرمایه به در کشورهای عمده صنعتی به سوی بورس بازی و فعالیت در بازارهای مالی از جمله مسائلی بودند که مندل با دقت و آمار و ارقام به بررسی و تحلیل آنها پرداخت. مندل به رغم مواضع رادیکال ضد سرمایه داریش هیچگاه از نقد و انتقادی و وضعیت های سیستم شوروی با پس نکشید و در محکوم کردن دخالت ارتش شوروی در رویدادهای مجارستان، چکسلواکی و ... تردیدی به خود راه نداد. وی با این همه، دستاوردهای اجتماعی انقلاب اکتبر را می ستود و آن را جلوه ای دیگر از تداوم انقلاب فرانسه می دانست. مندل گرچه گرایشهای تروئیکسیستی داشت، اما در این عرصه نیز هیچگاه به تعصب و جزمیت نگریید و تروئیکسی را نیز از گزند انتقاد خود در امان نداشت. بویژه بی التفاتی تروئیکسی به سر بر آوردن سیستم متمرکز که زاینده وزاده استالینسم بود، بیوسته از سوی مندل مورد نقد و اشاره قرار می گرفت.



مندل به رغم فعالیت فشرده آکادمیک، در فعالیت های سیاسی و اجتماعی حضوری موثر داشت. او در همان هنگام که دولت های اروپای غربی از وروده به خاک خویش محروم شده بودند، با نادیده گرفتن این ممنوعیت به ناگهان خود را برای مثال با مورتسکیلت به پاریس می رساند تا در نظرات اعتراضی کارگران و دانشجویان شرکت کند. سر از آلمان غربی در می آورد تا به صف تظاهرات ضد جنگ بیرون دهد و در جلسات بحث و گفتگوی انتقادی شرکت جوید. او تا همین اواخر نیز از رفتن به میان کارگران این یا آن کشور و صحبت درباره مسائل و خواسته های آنها و با شرکت و ایراز همبستگی با تحصن و اعتصاب غذای پناهندگان غافل نمی ماند.

مندل سخنوری توانا و گفتگویی با حوصله بود که به خاطر تسلط کم نظیرش بر شماری از زبان های زنده دنیا، به راحتی می توانست با افراد و اشخاص مختلف تماس برقرار کند. او در عین حال انقلابی پر شور بود و میل داشت سقوط سرمایه داری را به چشم خود ببیند. این آرزوی مندل گرچه تا مدت ها مانده، لیکن چه روح دانش پژوهی، چه آثار علمی و موشکافانه اش در نقد سرمایه داری و وجه فعالیت سیاسی و اجتماعی او در همبستگی با خواست های دمکراتیک و عدالت جویانه، زندگی درخشان و برابری برای او ساخته اند.

## جنگ تمدن ها؟

نوشته انیاسیورامونه

ترجمه از لوموند دیپلماتیک

سیاست جهانی تحت تأثیر تصادم تمدن ها قرار خواهد گرفت. هانتینگتون ادامه می دهد: احساس تعلق به یک تمدن، در آینده اهمیت بیشتری خواهد یافت، و جهان در ابعاد وسیعی از رابطه بین هفت یا هشت تمدن اصلی تأثیر خواهد گرفت: تمدن غرب، تمدن کنفوسیوسی، زابنی، اسلامی، هندویی، اسلاو-ارتدکس، تمدن آمریکای لاتین و احتمالاً تمدن آفریقایی. مهم ترین رویارویی های آینده، در امتداد مرزهای این تمدن ها صورت خواهد گرفت.

این نزاعها بلافاصله به بحث در مقیاس جهانی انجامید که در آن در نهایت نظریاتی که خلاف تئوری های هانتینگتون را ناپسند می کرد، غلبه کرد. صاحب نظران بسیاری هر چند اذعان کردند که در برخورد های سیاسی فعلی، بعد فرهنگی عمده ای دیده می شود (مثلاً در بوسنی، چین، الجزایر، خاورمیانه، جنوب سردان، کشمیر، سری لانکا، جیبوتی)، اما در عین حال، هانتینگتون را منتهی نمودند که مرتکب ساده سازی سیاسی شده است، مرزهای فرهنگی را بدون هیچ گونه دقتی می کشد و مهم تر از همه، با نظریات خود، غرب را به مقاومت در برابر یک نهج ادعایی اسلام فرا می خواند.

استدلالات های هانتینگتون، بسیاری از افراد در ایالات متحده و کشورهای مختلف اروپایی در مواضع بیگانه ستیزی خود تقویت کرد. این نظریات، تزی را که به موجب آن، اسلام "دشمن مطلق" جدید غرب است و چه دار کرد. حد تا نبرجین نظریاتی، در نحوه گزارشده رسانه های آمریکایی (و فرانسوی) بلافاصله پس از انفجار دهشتناک اکلامو در ۱۹ آوریل بازتاب یافت: بلافاصله این گمان

مقاله "جنگ تمدن ها" نوشته یک استاد آمریکایی که دو سال پیش منتشر شد و در ایران نیز پس از چاپ در یک ضمیمه روزنامه اطلاعات مورد توجه و نقد قرار گرفت، مبنای آید نولوژی یک پاره ای از نظریات استراتژیک در غرب برای جهت گیری جدید قدرت سیاسی و نظامی کشورهای غربی علیه آنچه این مقاله به طور تلویحی از آن به عنوان تهدیدات جدید نام برد، شده است. مقاله حاضر به طور مختصر به نظریات طرح شده از سوی هانتینگتون پاسخ می دهد. در دوره ای که درگیری های ملی و قومی، دیدار پروری مهم ترین مسائلی که جهان بدان مبتلاست، تیره کرده است، بی پاسخ گذاشتن تئوری هایی که توجیه گر جنگ های صلیبی جدید است، شایسته نیروهای دمکرات نیست. در زیر ترجمه مقاله ای را که لوموند دیپلماتیک اخیراً در نقد نظریات هانتینگتون به چاپ رساند، درج می کنیم.

دو سال پیش ساموئل هانتینگتون رئیس مؤسسه تحقیقات استراتژیک دانشگاه هاروارد آمریکا در پاسخ بدین سؤال که جهان پس از پایان جنگ سرد چگونه خواهد بود، در مقاله ای که مورد توجه زیاد قرار گرفت، نوشت: "من ادعا می کنم برخورد ها در دوران نوین، عمدتاً دارای خصالت آید نولوژیکی با اقتصادی نخواهند بود. تنش های مهم بشریت و کانون های اصلی بحران، در عرصه فرهنگ خواهد بود. دولت های ملی در مناسبات بین المللی کماکان نقش اصلی را ایفا خواهند کرد، اما شدید ترین برخورد های سیاسی میان ملت ها و گروه های روی خواهد داد که به فرهنگ های مختلف تعلق دارند.

## خبر های علمی

### ویروس زگیل سبب سرطان دهانه ی رحم

یک پژوهش بین المللی انجام شده توسط دانشمندان ۲۲ کشور برای نخستین بار نشان داده است که تقریباً تمام موارد سرطان دهانه ی رحم بر اثر یک عفونت ویروسی ایجاد شده است. در این تحقیقات که بر روی ۱۰۰۰ نمونه بافت سرطانی صورت گرفته است در ۹۵ درصد موارد نشانه هایی زنتیکی از وجود ویروس پاپیلوم (Papilloma Virus - HPV) (Human) که در عین حال زگیل های معمولی را ایجاد می کند، یافت شده است.

سرطان دهانه ی رحم دومین سرطان شایع زنان در سطح جهان است که سالانه نیم میلیون نفر در سطح جهان به آن مبتلا می شوند.

### عمر طولانی با ورزش

نتیجه ی ۲۰ سال مطالعات پزشکی بر روی ۱۷۳۰۰ نفر از فارغ التحصیلان دانشگاه هاروارد که توسط خانم دکتر ای مین لی و گروه تحقیقاتی اش انجام شده، نشان داده است که فعالیت های شدید بدنی که باعث تعریق شده و میزان متابولیسم بدن را تا ۶ برابر بیشتر نسبت به زمان استراحت افزایش دهند باعث طولانی شدن عمر می شوند. این تحقیقات ثابت کرده است که در صد مرگ و میر در بین کسانی که به طور مرتب ۱۵۰۰ کیلو کالری را در هفته توسط ورزش های سنگین از دست داده اند، ۲۵ درصد کمتر از افراد عادی بوده است. البته به نظر خانم دکتر لی و گروه تحقیقاتی اش، از دست دادن تا ۲۰۰۰ کالری در هفته توسط ورزش های سبک از قبیل قدم زدن کمی به طولانی تر شدن عمر نمی کند ولی برای سلامت بدن مفید می باشد. خانم دکتر لی برای طولانی شدن عمر و سلامت در کینسالی، ۳۰ کیلو متر دوگدی در هفته یا سه ساعت بازی تنیس و با ورزش هایی معادل اینها را پیشنهاد می کند. طبق آمار متخصصین بهداشت در آمریکا تحرک ۶۰ درصد مردم به حرکت از تخت خواب به بیخواب و ماشین محدود می شود. گروه تحقیقاتی خانم دکتر لی این مقدار کم تحرک را معادل با ضرر ناشی از ۲۰ درصد اضافه ی وزن و یا به اندازه ی ضرر ناشی از استعمال دخانیات اعلام کرده است.

### پنبه ی نسوز، عامل مرگ هزاران نفر

پنبه ی نسوز یک ترکیب فیبری معدنی است که عمدتاً در کارهای ساختمانی برای عایق بندی سقف و دیوارها به کار برده می شود. استفاده از این ماده به علت مقاومت آن در برابر حرارت و انتقال کم حرارت و الکتریسیته تنها به کار ساختمانی محدود نمی شود و در صنعت و مصارف خانگی نیز کاربرد دارد. در سال ۱۹۷۱ پژوهش های وسیعی در مورد عوارض آن آغاز شد که کاربرد آن را به زیر علامت سؤال برد، اما استفاده از این ماده از سال ۱۹۹۳ ممنوع گردید.

در طی این مدت عوارض بیماری های خطرناک حاصل از تماس با این ترکیب برای همگی کاملاً روشن شده است. مهم ترین عارضه، ایجاد یک نوع غده ی سرطانی در ریه بیمار است که ۲۰ تا ۴۰ سال پس از تماس خود را نشان می دهد و به مرگ منتهی می شود. گفتنی که ۴۰٪ از مبتلایان در کار شغلی خود در ارتباط با ماده ی مذکور نبوده اند و آلودگی محیط زیست آنان عامل بیماری بوده است.

خطر مرگ، جان بیمارانی را که در سال های ۷۰ در رابطه با پنجم شیشه کاری کرده اند بیش از کارگران امروزی که در شرایط بهتری کار می کنند تهدید می کند.

ارقام تخمینی در مورد بیماران کنونی و بالقوه به حدی زیاد است که از این بیماری با عنوان آید می یاد می شود. سود جویی و سیل انگاری مسئولان اقتصادی و سیاسی کشورهای صنعتی درد خه های پیش عامل نسوز بیماری در این حد درد ناک می باشد. با علم به نکته ی فوق، باردیگر این سوال مطرح می شود که میزان آلودگی مردم ساکن در کشورهای جهان سوم که بطور مشخص قربانیان سود جویی خارجی و داخلی هستند تا چه حد است. آیا باید ده ها انتظار کشید تا ارقام مشابهی در ارتباط با این کشورها فاش گردد.

### کلینیک تخصصی برای موسیقیدانان

مرزیسین هایی که ساعت های طولانی با وسیله ی موسیقی خود یا ژست های ثابت مشغول تمرین اجرای برنامه هستند، دچار دردها و عوارض مربوط به نوع کار خود می باشند. مثلاً ویولونیست ها از دردهای مربوط به سرو گردن و کتاربیست ها از درد شانه رنج می برند. برای کمک به این هنرمندان کلینیک منحصر به فردی در شهر لیون در فرانسه آغاز به کار کرده که ضمن معالجه به آنان کمک می کند تا در وضعیت بهتری به تمرین و کار بپردازند.

### درمان ترس از ارتفاع به کمک واقعیت مجازی

کامپیوتر راه خود را به روان درمانی نیز باز کرده است. اخیراً یک آمریکایی به نام رالف لمسون ۳۶ بیمار دچار ترس از ارتفاع را بوسیله ی کلا هخود های واقعیت مجازی مورد درمان قرار داده است. بیماران هنگام استفاده از کلا هخود ها خود را در یک خانه با تراس باز، درون یک آسانسور شیشه ای و با وضعیت های مشابه احساس می کنند. ۳۳ تن از بیماران بعد از یک هفته رفتار درمانی به کمک واقعیت مجازی ترس از ارتفاع را از دست داده و بعد از سه ماه توانستند بدون احساس ناراحتی از ارتفاع به پایین نگاه کنند.

فانجانها "سایه های" که همه جا الگوهای واحد رفتار و مصرف و فراغت را ترویج و جهانی پیوسته همگون تر از تصورات ایجاد می کنند، تقویت می شود.

برخی کارشناسان تا حدی پیش می روند که در مخالفت با نظریات هانتینگتون می گویند دیگر تنها یک تمدن وجود دارد، که عبارت است از تمدن نظام سرمایه داری، و برخورد های اجتماعی آینده، به نوعی جنگ های داخلی سبک جدید خواهند بود. طبق این نظریات، در چارچوب یک تمدن جهانی، دیگر نه جنگ میان ملت ها و فرهنگ ها، بلکه بر اثر افزایش پیوسته نابرابری ها، برخورد های هر چه خشن تر آمیخته میان حاشیه نشینان و کسانی که در داخل مرزهای این نظام اند، میان آنها می که بازنده اند و آنانی که می خواهند به "آرباب جدید جهان" تبدیل شوند.

امروزه هر تکه کوچک از زمین ما، منطقه ای مرزی است. هیچ کس دیگر نخواهد توانست در یک هویت منسجم و بسته احساس امنیت کند. هیچ کس را یاری آن نیست که خود را از فرهنگ های دیگر محصور نگه دارد. آری، "فرهنگ دیگر" عبارت است از فرزندان خود مسا و یا همسایگان ما. این درهم آمیزی متقابل می تواند گاه درد ناک باشد، اما ضروری و غنی کننده هست و خواهد بود. این نداشتن، ارزشمند است، ولی اینکه تنها تأثیر آن، این باشد که ما را از سر سه نوعی منزه طلبی قومی، فرهنگی یا مذهبی بازدارد، و جلوی خیال پردازی بیمار گونه غرب را در این گمان که در حالت تدافعی است، بگیرد.

آیا غرب امروز، پنجاه سال پس از گشودن اردوگاه های مرگ، می تواند مدعی هیچ گونه برتری اخلاقی باشد؟

امروزه، این درهم آمیزی بر اثر گسترش جهانی الگوی شهرنشینی غربی، بر اثر پذیرش عام یک شکل واحد دولتی و به ویژه بر اثر توسعه

## تحولات جدید در جنگ بالکان

### توافق احزاب کردستان عراق

سرپرستی آن زیر نظر یک کمیسیون مستقل قرار گیرد. این چندمین توافق است که طرف‌های اخیر میان گروه‌های کرد به دست می‌آید. چه فشارهای اقتصادی، چه دخالت‌های خارجی و چه مسایل ناشی از قدرت طلبی تا کنون احزاب عمده کردستان عراق را، متأسفانه، به جنگ‌های خونینی سوق داده است.

ناظران سیاسی پیش‌بینی می‌کنند که توافق اخیر، به خاطر شرکت آمریکا و ترکیه در روند آن، نسبت به توافقات قبلی، که قسماً با یا در میانی جمهوری اسلامی حاصل شدند، شانس موفقیت بیشتری داشته باشد.

دو حزب عمده کردستان عراق، اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان، که در ماه‌های اخیر بر سر مناطق تحت نفوذ خود نحوه تقسیم عوارض گمرکی در مرزها، با یکدیگر در جنگ و ستیز بوده‌اند، هفته گذشته با میانجی‌گری مقامات آمریکا و ترکیه، در شهر دوپلین پایتخت ایرلند جنوبی، به توافق‌هایی در زمینه برقراری آتش بس دست یافتند. آن‌ها توافق کردند شیراویل، مرکز کردستان عراق به منطقه غیر نظامی تبدیل شود و عوارض گمرکی در مرزهای شمالی و شرقی کردستان عراق، که سالانه بر ۱۵۰ هزار دلار بائع می‌شود، به صندوقی واریز شود و هدایت و

اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است. نمایندگان دوما روسیه، در یک اقدام متقابل، طرحی را به تصویب رساندند که بر اساس آن دولت روسیه باید از رعایت تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل علیه صربستان صرف‌نظر کند. پلنشین برای به دست گرفتن ابتکار صلح در بالکان، رهبران صربستان، کرواسی و بعد تر رهبر یوسوی را به مسکو دعوت کرد تا در مذاکره‌های چهار جانبه آن‌ها راجه پذیرش آتش بس و یک قرارداد صلح، متقاعد سازد. اما تنها اسلاوان میلیویچ، رهبر صربستان، دعوت پلنشین را پذیرفت و به مسکو رفت. پلنشین گفت عدم حضور رئیس‌جمهور کرواسی در مسکو، با توصیه فشار غرب بوده است.

دولت آمریکا با توجه به موفقیت‌های نظامی کرواسی و آرایش جدید نیروها در بوسنی طرحی را راجه کرده که مشاور برجسته کلینتون یعنی آنتونی لیک، این روزها با سفر به پایتخت‌های کشورهای عضو گروه تماس، در صدد جلب موافقت آن‌ها نسبت به این طرح است. بر اساس اطلاعات منتشر شده، مطابق این طرح "سرپرست" و "گروازده" به صرب‌ها واگذار خواهد شد و آن‌ها اجازه خواهند یافت که با جمعیوری صربستان یک فدراسیون تشکیل دهند. در عرض مناطق بیشتری از اطراف ساراووودرا اختیار مسلمان‌ها قرار خواهد گرفت و بوسنی و کرواسی نیز مجاز به برپایی یک فدراسیون خواهند شد. مقامات دولت بوسنی درواکش‌های اولیه خود از این طرح استقبال چندانی نکرده‌اند، زیرا آن‌ها بیم دارند که این طرح در جهت شایعاتی باشد که بر اساس آن رهبران کرواسی و صربستان در مذاکراتی مخفیانه، بوسنی هرزه‌گرین را میان خود تقسیم کرده‌اند و قصد دارند تنها بخش محدودی از آن را به مسلمانان واگذار کنند.

آشکارا و پنهان از کرواسی و مسلمانان بوسنی روی آورده است. در چارچوب همین سیاست‌های کشورهای بزرگ است که صرب‌ها با سکوت و با حتی چراغ سبز انگلیس و فرانسه به اشغال مناطق تحت حمایت سازمان ملل می‌پردازند و با هیچ واکنشی هم روبرو نمی‌شوند، و از دیگر سرکرواسی با حمایت پنهان آلمان و آمریکا و برای بازداشتن صرب‌ها از تاخت و تاز بیشتر، اهالی صرب ساکن جنوب شرقی این کشور را آواره می‌کند.

تحولات نظامی اخیر در بالکان، آمریکا و روسیه را به اتخاذ سیاست‌های جدید و دادن پیشنهادها متفاوتی واداشته است. نمایندگان آمریکا، که اکثریت را دست دارند، ضمن حمایت قوی از اسرائیل، از جلب نظر کشورهای مسلمان نیز غافل نیستند. آن‌ها حملات اخیر صرب‌ها به شهرهای مسلمان نشین بوسنی را دستاویز قرار دادند و با تصویب طرحی، خواهان برتری صرب‌ها و پیروزی آن‌ها در بالکان را به سود سیاست‌های روسیه و تقویت نفوذ این کشور در اروپای مرکزی می‌دانند، عملاً به حمایت

متوجه تسویه مناطق جنوب شرقی این جمهوری از صرب‌ها و بیرون راندن اهالی صرب این منطقه، بوده است. انگلیس و فرانسه از یک سو و آلمان از سوی دیگر، منافع و سیاست‌های متضادی را در بوسنی هرزه گوین دنبال می‌کنند. فرانسه و انگلیس به لحاظ تاریخی متحد صرب‌ها به شمار می‌روند و کرواسی از متحدان اصلی آلمان در بالکان به حساب می‌آید. همچون همه جنگ‌های گذشته، این بار نیز منافع متضاد کشورهای بزرگ غربی در تشدید و تداوم این جنگ نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. همین اختلاف منافع و سیاست‌ها، سازمان ملل را نیز که به طور عمده

پس از حمله اخیر صرب‌ها به شهرهای امین اعلام شده‌ی "سرپرست" و "گروازده" در بوسنی هرزه گوین، و سکوت و بی‌عملی سازمان ملل و کشورهای غربی نسبت به این تهاجم، دولت کرواسی نیز فرصت را مغتنم شمرد و با گسیل صد هزار نیرو به اطراف "کارینا"، صرب‌های این منطقه را به فرار و مهاجرت واداشت و بخش مهمی از این منطقه را، که صرب‌ها در آن اعلام استقلال کرده بودند، دوباره تحت تسلط خود درآورد.

جنگ سه ساله بالکان که به عرصه رقابت و زور آزمایی غرب با روسیه از یک سو و آمریکا و آلمان با فرانسه و انگلیس از سوی دیگر تبدیل شده است، به دلیل امتناع صرب‌ها از پذیرش طرح صلح گروه تماس، متشکل از نمایندگان انگلیس، آلمان، فرانسه، روسیه و آمریکا، کماکان ادامه یافته است. طرح گروه تماس، ۵۱ درصد خاک بوسنی هرزه گوین را به مسلمان‌ها و کروات‌ها و ۴۹ درصد بقیه را در اختیار صرب‌ها قرار می‌دهد. بوسنی هرزه گوین با مساحتی بیش از ۵۱ هزار و ۹۲۱ کیلومتر مربع و جمعیتی حدود ۴/۴ میلیون نفر، از جمهوری‌های مهم تشکیل دهنده یوگسلاوی سابق به شمار می‌رفت. در این جمهوری ۴۴ درصد مسلمان، ۳۱ درصد صرب و ۱۷ درصد کروات زندگی می‌کنند.

صرب‌ها خواهان اراضی بیشتری از این جمهوری و تشکیل فدراسیون با جمهوری صربستان می‌باشند. اشغال نظامی ۷۵ درصد بوسنی هرزه گوین توسط صرب‌ها، آن‌ها را به لحاظ نظامی در موقعیت برتری قرار داده است و به فشاری برخواست خود تحریک کرده است. صرب‌ها در شرق و جنوب شرقی کرواسی نیز مناطقی را تحت تسلط خود دارند و در آن‌ها نوعی استقلال کامل اعلام کرده‌اند. حمله اخیر ارتش کرواسی



قدرت نمایی نیروهای کروات

تحت تاثیر کشورهای بزرگ قرار دارد، از ایفای نقشی سازنده در جنگ بالکان باز داشته است. از سوی دیگر، روسیه، هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ فرهنگی و مذهبی، با صرب‌ها نزدیکی و اشتراکات بسیاری دارد و از پشتیبانی آن‌ها فروگذار نمی‌کند. آمریکا که برتری صرب‌ها و پیروزی آن‌ها در بالکان را به سود سیاست‌های روسیه و تقویت نفوذ این کشور در اروپای مرکزی می‌داند، عملاً به حمایت

### آنگولا به سوی صلح

گرفته بود؛ اکثریت آرا را به دست آورد. ناظران بین‌المللی صحت انتخابات را مورد تأیید قرار دادند، ساویمی ایزدیرش شکست خود سرپاز زد و با کمک دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی، و تا حدودی آمریکا، به جنگ ادامه داد. در این جنگ نزدیک به ۵۰ هزار تن کشته شدند. دیپلماتی فعال دولت لوآندا نیز به قدرت رسیدن نلسون ماندلا در آفریقای جنوبی، به انزوای ساویمی و کاهش حمایت از او منجر شد. دولت در درگیری‌های نظامی در موقعیت برتری قرار گرفت و ساویمی را به آشنی و قبول وضعیت جدید وادار کرد.

در مذاکرات صلحی که ظرف هفته‌ها و ماه‌های اخیر میان دو طرف به عمل آمد، قرار شد در آنگولا نیز، هم چون آفریقای جنوبی، دوپست معاونت ریاست جمهوری ایجاد شود و یکی از آن‌ها به ساویمی واگذار گردد. این مذاکرات ۵۵ شنبه گذشته به پایان رسید و بدین سان به بیست سال جنگ در آنگولا نقطه پایان نیاده شد.

پس از بیست سال جنگ داخلی، که آنگولا را به یکی از کانون‌های رقابت جنگ سرد تبدیل کرده بود، سرانجام یوناس ساویمی، رهبر شورشیان اونیتا، به نتایج انتخابات سال ۱۹۹۲ این کشور، که به پیروزی حزب حاکم مپلا انجامید، گردن نهاد و با دولت مرکزی آنگولا از در مصالحه درآمد. آنگولا در سال ۱۹۷۵، پس از خروج پرتغال از این کشور، به استقلال رسید و جبهه مپلا به رهبری دکتر آگوستینو، که از حمایت اتحاد شوروی برخوردار بود، با عقب راندن جبهه پونیتا، که از سوی آمریکا و آمریکای جنوبی حمایت می‌شد؛ به قدرت رسید. اما جنگ میان دو جبهه ادامه یافت و تلفات و ضایعات انسانی بسیاری به همراه آورد. سال ۱۹۹۰، در پی تحولات جهانی، طرفین توافق کردند از طریق برگزاری انتخابات آزاد، قدرت را تقسیم کنند. در این انتخابات که در سال ۱۹۹۲ برگزار شد، جبهه حاکم مپلا، که رهبری آن را بعد از گذشتن تو، خوزه ادواردو دوش سانتوز به عهده

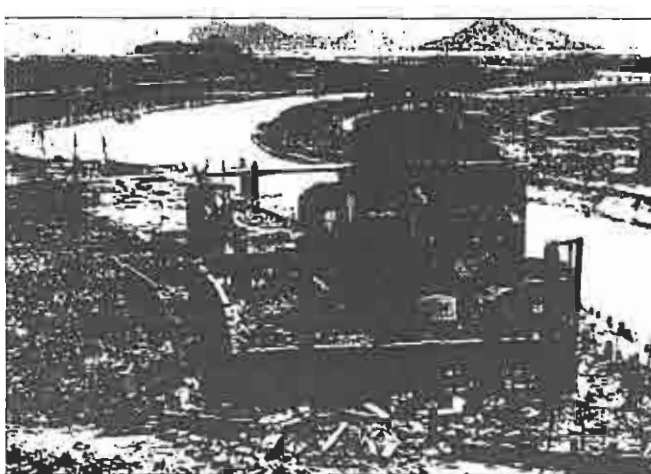
### سر آغاز فاجعه

در ۱۶ ژوئن ۱۹۴۵، ساعت ۵:۲۹ دقیقه، در بیابان‌های نیمه‌مکزیکو در آمریکا، اولین بمب اتمی به طور آزمایشی منفجر شد و از آغاز دور جدیدی در زندگی بشریت خبر داد. ۱۷ روز پس از آن، هیروشیما و ناگازاکی توسط نیروی مخرب اتم و جنون انسان‌هایی که آن را به کار گرفتند، بی‌سکته شدند. هیروشیما و ناگازاکی از نقطه نظر نظامی نقش ویژه‌ای در تداوم جنگ از سوی ژاپنی‌ها نداشتند. تسلیم ژاپن امری مسجل بود. هیروشیما و ویران شده، نمادی از پیروزی بر جنگ نبود، نشانی از جنون و آغاز گردورانی هرلناک در زندگی انسان‌ها بود. دورانی که هنوز هم به پایان نرسیده است.



صحنه‌ای از آزمایش نخستین بمب اتمی توسط آمریکا

### تلاش برای تکرار فاجعه؟



نمی‌شد جلوی این حادثه را گرفت؟ آیا نمی‌شد از وسیله‌ی دیگری برای به تسلیم واداشتن ژاپن بهره گرفت؟ جواب‌های مختلفی به این قبیل سئوالات داده شده و داده می‌شود. جوابی که ژاپنی‌ها می‌دهند این است که: همه‌ی سلاح‌های اتمی باید برچیده شوند! همین بیزارگی از جنگ و ترس از بمب اتمی است که ژاپنی‌ها را متحداً به مبارزه علیه آزمایش اتمی فرانسه واداشته است. بشریت با

را سازمان ملل متحد بر عهده گرفته و نظارت بر این امر معین نیز بر عهده‌ی شورای امنیت است، اما شراری امنیتی که اعضا اصلی آن خود از تولید کنندگان سلاح اتمی‌اند، طبعاً قادر نخواهد بود اجرای دقیق قراردادها را بی‌گیری و بی‌طرفانه نظارت کند. چنانچه در عمل پیمان غیرمجاز بودن آزمایش سلاح‌های اتمی بعد از اصرار فرانسه برای آزمایش سلاح اتمی، بطور جدی زیر سؤال رفته است. ژاک شیراک می‌خواهد جهان را بدوران جنگ سرد و مسابقه‌ی تسلیحاتی برگرداند. او استدلال بی‌محتوای فدیمی را پیش می‌کشد که اگر فرانسه از دیگران قوی‌تر باشد دیگر کسی جرأت کاربرد سلاح اتمی علیه آن را به خود نخواهد داد. مدافعان برنامه‌های اتمی شیراک می‌گویند با قوی‌تر شدن فرانسه از نظر نظامی، سلطه‌ی آمریکا و یا نفوذ آمریکا کاهش می‌یابد و خود فرانسه نیز از زیر نفوذ درخواهد آمد و در این میان یک فرانسه قوی و مستقل سربر خواهد آورد. اگر شیراک از هیروشیما چیزی نیامورده است، جهان‌باز بسیار چیزها آموخته‌اند. بشریت حاضر نیست به دوران تشویش و دلپره‌ی جنگ سرد برگردد. جهان‌باز حاضر نیستند دوباره کوه‌ی زمین را به شکله‌ی باروت بدل کنند.

حدود ساعت ۸ و ربع روز ۱۶ اوت سال ۱۹۴۵ اولین بمب اتمی پیرسر شهروندان هیروشیما فرود آمد. انفجار بمب نابودی آنی شیرا را به دنبال داشت. بعد از انفجار فقط بقایای درختان سوخته بر وجود حیات در آن دیار شهادت میداد و تعدادی خیابان کج و کوله و چند بل خرابه هم گویای آن بود که لحظاتی پیش انسان‌هایی در آنجا با سرود زندگی بر لب، زندگی می‌کرده‌اند. اما دیگر حنا پرواز برنده‌ای هم چشم رانوازش نمی‌داد. بمب ویرانگر در لحظه صد هزار نفر را کشت. بسیاری از کسانی که به دهات اطراف گریخته بودند و ضاهراً سالم بنظر می‌رسیدند، بعد از گذشت چند ماه بعلت‌های مختلف درگذشتند. دومین بمب در ۹ اوت بر شیر ناگازاکی فرود آمد. تکرار فاجعه. با گذشت زمان بر تعداد قربانیان این بمباران‌ها افزوده شد. بسیاری بر اثر امراض ناشی از تشعشعات رادیو اکتیو جان باختند. بسیاری عقیم شدند و بسیاری بر اثر زخم‌های ناشی از تشعشعات نتوانستند به زندگی عادی برگردند.

عمق فاجعه به گونه‌ای بود که ژاپن متجاوز، در اذهان عمومی به ژاپن قربانی بدل شد و افکار مترقی بمحض اطلاع از کم و کیف حادثه، در مقابل این سؤال قرار گرفت که آیا